

الگوی بودجه عمومی دولت

نویسنده: محمد کر دیچه*

چکیده

در غالب الگوهایی که تاکنون برای بررسی روندهای کلان و بخشی اقتصاد کلان ایران تهیه شده، بخش مالی دولت، شامل چند معادله کلی مربوط به اقلام عمده درآمدی (مالیات، درآمد نفت و درآمدهای دیگر) و هزینه‌ای (جاری و عمرانی) بوده است. در نتیجه، امکان بررسی آثار تصمیمهای موردی در خصوص برخی از اقلام درآمدی یا هزینه‌ای دولت بر متغیرهای کلان اقتصادی، و نیز برعکس، وجود نداشته است. این مسئله، به ویژه به هنگام بررسی لوایح برنامه پنجساله یا بودجه‌های سالانه در مجلس شورای اسلامی، عینیت بیشتری می‌یابد. در این مقاله، چارچوب الگوی پیشنهادی به شکلی است که تمام اقلام درآمدی و هزینه‌های جاری و عمرانی دولت (برحسب امور و فصل) را دربرمی‌گیرد. یکی دیگر از مشخصه‌های الگوی پیشنهادی، انعطاف‌پذیری آن برای اعمال سیاستهای مختلف درآمدی و هزینه‌ای است تا بتوان از این طریق، اثر سیاستهای مختلف را بر شاخصهای مهم کلان اقتصادی کشور بررسی و تحلیل نمود.

این مقاله، مشتمل بر سه بخش کلی است. در بخش اول، روش کار را تشریح می‌کنیم و معادله‌های الگوی پیشنهادی را برآورد می‌نماییم. در بخش دوم، براساس معادله‌های برآورد شده در بخش اول و فروضی در مورد متغیرهای برونزای الگو، پیش‌بینی متغیرهای اصلی الگو تا سال ۱۳۸۵ را ارائه می‌دهیم. در بخش سوم، ضمن نتیجه‌گیری، مجموعه سیاستهایی برای آینده پیشنهاد کردیم.

مقدمه

مالیه عمومی در جریان عملکردهای گذشته، بر محور اتکا به درآمدهای نفتی در حجم و ترکیبی

نامتعادل، به گونه‌ای تحول یافته است که در نهایت، بافتی وابسته را به اقتصاد کشور تحمیل نموده است. بودجه دولت با اتکا به درآمد نفت، به عنوان تأمین‌کننده بخش عمده هزینه‌های عمومی، از یک سو، با ایجاد قدرت خرید اضافی در اقتصاد کشور، زمینه رشد قیمت‌ها را فراهم آورده، و از سوی دیگر، با تغییر حجم واردات کشور به تبع تحولات بخش نفت و تأمین درآمدهای ریالی بودجه دولت صورت گرفته و سیر وابستگی کشور را به خارج تشدید کرده است.

روشن است که سیاست استفاده از منابع نفتی همواره نمی‌تواند ماهیتی غیر سازنده داشته باشد. اگر درآمدهای نفتی با تأثیری که بر تقویت قدرت خرید خارجی دارد، در جهت تأمین منابع سرمایه‌ای توسعه اقتصادی و اجتماعی و در ظرفیتهایی متناسب با امکانات واقعی کشور، در خدمت ایجاد زیربناهای لازم تولیدی قرار گیرد، می‌تواند به تدریج به دولت امکان بدهد که از طریق ساز و کارهای مالیاتی، با برداشت منطقی از درآمدهای ناشی از تولیدات ملی، زمینه‌های رشد متناسب هزینه‌ها و خدمات عمومی را فراهم کند، و به گونه‌ای متعادل، به افزایش و گسترش رفاه عمومی و تأمین عدالت اقتصادی در کشور کمک کند. در عین حال، توجه داشته باشیم که به واسطه نقش مسلط دولت در اقتصاد کشور، هرگونه حرکت در جهت استقلال اقتصادی باید بر پایه کاهش اتکای بودجه دولت به منابع نفتی و ایجاد زیربناهای لازم تولیدی برای تأمین مالی هزینه‌های بودجه استوار گردد.

در سالهای گذشته، بودجه شرکتهای دولتی نیز روندی غیرمنطقی داشته است. گسترش فعالیت این شرکتهای متطقیاً می‌بایستی از طریق افزایش تولیدات داخلی، موجب کاهش وابستگی اقتصادی کشور به خارج گردد، و در عین حال، با ایجاد منابع جدید ناشی از سود این شرکتهای، از اتکای دولت به منابع نفتی بکاهد. لیکن در عمل، سرمایه‌گذاران و عملیات این واحدها به گونه‌ای انجام گرفته که برای گردش عملیات جاری خود نیز به منابع عمومی و شبکه بانکی متکی گردیده‌اند، و از این طریق، ساختار نامناسب هزینه‌های خود را بر منابع عمومی تحمیل کرده‌اند.

کاهش استقراض دولت از بانک مرکزی به صفر، از سال ۱۳۷۳، اگر چه می‌توانست در کاهش روند رشد نقدینگی و تخفیف فشارهای تورمی در جامعه مؤثر باشد، لکن وجود دو عامل طی سالهای اخیر باعث شد که نه تنها این تأثیر خنثی شود، بلکه روند نامطلوب گذشته تشدید گردد.

نخستین عامل، ایجاد حساب ذخیره تعهدات ارزی از سال ۱۳۷۲ به دنبال شناور شدن نرخ ارز از ابتدای این سال است. با شناور شدن نرخ ارز، با توجه به اینکه ایفای تعهدات ارزی دستگاههای اجرایی که با نرخ ۷۰ ریال گشایش شده بود و به هنگام سر رسید باید به نرخ شناور پرداخت می‌گردید با مشکل مواجه شده بود، مقرر گردید مابه‌التفاوت مذکور از محل حساب ذخیره تعهدات ارزی که به همین منظور افتتاح شده بود تأمین شود و مانده این حساب، در پایان هر سال، به حساب بدهی دولت به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران منظور گردد. به‌رغم تمهیدات دیگری که از طریق بند (ج) تبصره ۲۹ طی سالهای ۱۳۷۴-۱۳۷۶ اندیشیدند، بار مالی ناشی از این امر در پایان سال ۱۳۷۶ مجموعاً به ۲۸۶۰۰ میلیارد ریال رسید که با در نظر گرفتن ضریب فزاینده پولی، موجبات افزایش نقدینگی به میزان ۷۱۰۰۰ میلیارد ریال را طی این دوره فراهم آورد.

عامل دوم، بدهی شرکتهای دولتی به شبکه بانکی است. طی سالهای اخیر، بدهی شرکتهای دولتی به شبکه بانکی به شدت افزایش داشته، به طوری که مانده بدهی این شرکتهای در پایان سال ۱۳۶۷ حدود ۱۰۲۸ میلیارد ریال بود، طی دوره ۱۳۶۸-۱۳۷۵، حدود ۲۳ برابر شده و به ۲۳۱۸۰ میلیارد ریال رسید.

در نتیجه، عملیات مالی دولت به عنوان مهمترین عامل انبساط پولی طی این دوره، موجب تشدید روند رشد نقدینگی گردید، به نحوی که حجم نقدینگی که در سال ۱۳۶۷ معادل ۱۵۷۰۰ میلیارد ریال بود، در پایان سال ۱۳۷۵، به ۱۱۶۵۰۰ میلیارد ریال رسید. این نکات، حاکی از این است که سیاستهای مالی دولت طی سالهای گذشته، نه تنها در جهت ایجاد ثبات اقتصاد نبوده، بلکه در برخی موارد، موجب تشدید عدم تعادل موجود نیز گردیده است.

هدف از این بررسی، تدوین الگویی برای تعیین جهات اصلی تغییرات دریافتها و پرداختهای بودجه عمومی در گذشته و پیش‌بینی آن طی سالهای آینده است. یکی از مهمترین مشخصه‌های این الگو، انعطاف‌پذیری آن برای اعمال سیاستهای مختلف درآمدی و هزینه‌ای است، تا بتوان از این طریق، اثر سیاستهای مختلف را بر شاخصهای مهم کلان اقتصادی کشور، بررسی و تحلیل کرد.

در قسمتهای بعدی، ابتدا روش کار و چارچوب الگوی پیش‌بینی را تشریح می‌کنیم و سپس نتایج تفصیلی پیش‌بینیها در حالتهای مختلف را بررسی می‌نماییم. در پایان، ضمن نتیجه‌گیری

پیشنهادهایی ارائه می‌دهیم.

۱. روش کار

الگوی به کار گرفته شده در این بررسی، از سه قسمت تشکیل شده است: قسمت درآمدها، قسمت هزینه‌های جاری و قسمت هزینه‌های عمرانی. در اینجا، به ملاحظات مربوط به هر یک از این قسمت‌ها و معادله‌های مرتبط به آنها به طور جداگانه، اشاره می‌نماییم.

۱-۱. قسمت درآمدها

در بحث بافت درآمدهای عمومی دولت و ترکیب مؤلفه‌های آن، نکته اصلی وابستگی آن به درآمدهای نفتی است. در واقع نوسانهای درآمدهای عمومی دولت مستقیماً تحت تأثیر درآمد نفت قرار داشته است. به طوری که در جدول ۱ نشان داده‌ایم، طی سالهای ۱۳۵۰-۱۳۵۷، حدود ۷۴ درصد از درآمدهای دولت را درآمد نفت و گاز تشکیل می‌داده است که این نسبت در دوره ۱۳۵۸-۱۳۶۷ به ۵۲ درصد کاهش یافته است. اگر چه سعی دولت در تغییر ترکیب درآمدهای عمومی در کاهش این سهم بی‌تأثیر بوده، با این حال، نوسانهای بازار نفت، به ویژه در سالهای ۱۳۶۵-۱۳۶۷، در این دگرگونی نقش شایان توجهی ایفا کرده است. از سال ۱۳۶۸، با شروع برنامه اول توسعه و با بهبود نسبی بازار جهانی نفت، سهم درآمد نفت در درآمدهای دولت، دوباره روندی افزایشی یافت، و به ویژه از سال ۱۳۷۲، با تغییر نرخ برابری ارز، روند افزایشی مزبور تشدید شد، به طوری که در سال ۱۳۷۶، براساس آخرین عملکرد قطعی اعلام شده از سوی خزانه، نسبت مزبور بار دیگر به حدود ۵۴ درصد رسید.

درآمدهای مالیاتی در سالهای پیش از دهه ۱۳۵۰، روند معتدلی داشت. در دوره ۱۳۵۰-۱۳۵۷، با افزایش درآمد نفت، درآمدهای دولت با رشد متوسط سالانه‌ای معادل ۴۲ درصد افزایش یافت و با توجه به رشد کندتر درآمدهای مالیاتی طی این مدت (حدود سالانه ۳۲ درصد)، سهم درآمدهای مالیاتی در درآمدهای دولت، از ۳۲ درصد در سال ۱۳۵۰، به حدود ۲۱ درصد در سال ۱۳۵۶ رسید. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با کاهش تولید و صادرات نفت، از

اهمیت نفت در اقتصاد و درآمدهای عمومی کاسته شد، و در مقابل، سهم درآمدهای مالیاتی افزایش یافت، به طوری که به‌رغم اینکه درآمدهای دولت در سال ۱۳۶۷ معادل رقم مشابه سال ۱۳۵۶ بود، درآمدهای مالیاتی، از رشد متوسطی حدود ۱۱/۶ درصد برخوردار گشت و سهم آن در درآمدهای دولت به حدود ۴۷ درصد رسید. از سال ۱۳۶۸، با پایان یافتن جنگ تحمیلی و همزمان با شروع برنامه اول توسعه، با افزایش نسبی تولید و صادرات نفت، بار دیگر از سهم درآمدهای مالیاتی در درآمدهای دولت کاسته شد و طی چهار سال ۱۳۶۸-۱۳۷۱، سهم مزبور، به‌رغم رشد متوسط سالانه بالغ بر ۴۰ درصد، به دلیل رشد سریعتر درآمدهای غیرمالیاتی، از ۴۷ درصد، به حدود ۳۸ درصد کاهش یافت. از سال ۱۳۷۲، با تغییر نرخ برابری ارز و شفاف شدن بودجه عمومی، سهم مالیات در درآمدهای عمومی دوباره کاهش یافت و به ۲۷ درصد در سال ۱۳۷۶ رسید.

طی دوره مورد بررسی، کمترین سهم را در درآمدهای عمومی، سایر درآمدهای دولت داشته است. سهم مزبور که طی دوره ۱۳۵۰-۱۳۵۷ حدود ۵/۷ درصد بود، در دوره ۱۳۵۸-۱۳۶۷، به ۱۲/۵ درصد افزایش یافت. این افزایش، پیش از آنکه ناشی از افزایش این درآمدها باشد، به علت رشد بسیار ناچیز کل درآمدهای دولت (به دلیل کاهش درآمد نفت) بود. به همین دلیل، سهم سایر درآمدهای دولت، با افزایش مجدد درآمد نفت از سال ۱۳۶۸ به روند گذشته بازگشت، به طوری که طی دوره ۱۳۶۸-۱۳۷۶، سهم مزبور حدود ۱۱ درصد بود. از سال ۱۳۷۴، با افزوده شدن عوارض سوخت و پست و مخابرات (موضوع تبصره ۱۹ قانون برنامه دوم) به سایر درآمدها، سهم آن دوباره روندی صعودی یافت و در سال ۱۳۷۶ به حدود ۱۷ درصد رسید. تصویب قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین نیز در افزایش سهم سایر درآمدهای دولت طی سالهای اخیر مؤثر بوده است. از سال ۱۳۶۰، با بروز تنگنای مالی و عدم تکافوی درآمدهای عمومی برای تأمین نیاز دستگاههای اجرایی، به تدریج احکامی در قوانین بودجه‌های سالانه گنجانده شد که به موجب آنها، به برخی از دستگاههای اجرایی که امکان کسب درآمد داشتند، اجازه داده شده بود که در قبال ارائه خدمات یا فروش کالا، مبالغی را دریافت و درصدی از مبالغ وصول شده را برای هزینه‌های خود به مصرف برسانند. تعداد احکام مزبور، به تدریج

افزایش یافت، به طوری که در سال ۱۳۶۶، برای جلوگیری از پراکندگی این قبیل احکام در قانون بودجه، تمام آنها در تبصره‌های ۱۲ و ۱۳ قانون بودجه متمرکز گردید. تا سال ۱۳۶۸، تعداد بندهای تبصره‌های ۱۲ و ۱۳، به ترتیب، به ۳۱ و ۱۳ بند رسید. در نتیجه، تصمیم گرفتند که تمام این احکام را در قالب قانون جداگانه‌ای تنظیم کنند و به مجلس شورای اسلامی تقدیم نمایند. بدین ترتیب بود که قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین در آذر ماه سال ۱۳۶۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. قانون مزبور مشتمل بر ۷۳ ماده و ۶ تبصره بود که مدت اجرای آن تا پایان سال ۱۳۷۲ (سال پایانی برنامه اول توسعه) تعیین شده بود. با اتمام مهلت اجرای قانون مزبور در سال ۱۳۷۲، به دلیل بلا تکلیف ماندن احکام، به موجب تبصره ۵۸ قانون بودجه سال ۱۳۷۳، قانون مزبور به مدت یک سال دیگر تمدید گردید، تا اینکه در اسفند ماه سال ۱۳۷۳، قانون جدید وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین، با شکل گسترده‌تر، مشتمل بر ۹۲ ماده، به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. اشکال اساسی که بر این قانون وارد می‌شد، مغایرت آن با اصل عدم تخصیص بودجه بود و همه ساله سهم عمده‌ای از هزینه‌های دولت خارج از کنترل لازم، بر مبنای درآمدهای وصول شده، مستقیماً از سوی خزانه به دستگاه‌های ذی‌ربط اختصاص می‌یافت. به همین دلیل، در تاریخ ۱۳۷۶/۹/۳۰، به موجب قانون لغو موارد مصرف قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین، موارد مصرف تمام وجوهی که از بابت درآمدهای موضوع مواد مختلف قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین حاصل می‌شد، لغو گردید و به دولت اجازه داده شد که متناسب با فعالیتهای درآمدی دستگاه‌های ذی‌نفع، اعتبارات مناسبی در لویح بودجه سالانه منظور نماید.

بنابراین، همان طور که در جدول ۱ نشان داده‌ایم، ترکیب درآمدهای دولت در گذشته به گونه‌ای بوده است که بجز دوره استثنایی ۱۳۶۴-۱۳۶۸، سهم درآمدهای غیر نفتی، از ۵۰ درصد درآمدهای دولت بیشتر نبوده است. علاوه بر این، بخش مهمی از درآمدهای غیر نفتی نیز به طور مستقیم و غیر مستقیم وابسته به درآمد نفت است که این امر، درآمدهای دولت را در مقابل نوسانهای بازار جهانی نفت به شدت آسیب پذیر کرده است. بیش از ۲۵ درصد درآمدهای مالیاتی

را مالیات بر واردات تشکیل می‌دهد که به طور مستقیم وابسته به ارزش حاصل از صادرات نفت است. به همین دلیل است که برای مثال، پس از افزایش درآمد نفت در سال ۱۳۵۳، مالیات بر واردات از حدود ۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۲، به بیش از ۱۶۹ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۶ افزایش یافت، یا در سالهای اخیر، مالیات مزبور که در اثر کاهش دریاچه‌های ارزی حاصل از صادرات نفت در سال ۱۳۶۷ به ۱۴۶ میلیارد ریال رسیده بود، در سال ۱۳۷۶ به ۲۹۳۰ میلیارد ریال رسید. رقم مصوب سال ۱۳۷۷ نیز در این مورد معادل ۴۲۸۹ میلیارد ریال است که حدود ۲۵ درصد از درآمدهای مالیاتی پیش‌بینی شده در قانون بودجه سال جاری را تشکیل می‌دهد. حدود ۴۰ درصد از درآمدهای مالیاتی نیز مربوط به مالیات بر شرکتها می‌گردد، که به دلیل وابستگی نسبتاً شدید این شرکتها (۲۰ تا ۳۰ درصد) به واردات مواد اولیه و واسطه‌ای، همواره تحت تأثیر نوسانهای درآمدهای نفتی قرار داشته است. بدین روی، مجموعاً حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد از درآمدهای مالیاتی و ۱۵ تا ۲۰ درصد از درآمدهای غیرنفتی، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، وابسته به درآمد نفت است که این امر حاکی از ساخت نامناسب و نامطلوب این درآمدها می‌باشد.

درآمدهای بودجه عمومی دولت، شامل اقلام متعدد با ماهیتهای متفاوت است و در نظر گرفتن یک به یک آنها در الگو، نه امکان پذیر است و نه منطقی. به همین جهت، در الگوی به کار گرفته شده در این بررسی، درآمدهای دولت به ۱۰ گروه عمده تقسیم شده و معادله خاصی برای آنها در ارتباط با پایه درآمدی ذی‌ربط مشخص گردیده است، که شکل کلی آنها به شرح زیر است:

$$\text{LogCORTAX}_t = a_0 + a_1 \text{LogVATOT}_t + a_2 \text{LogOIL.REV}_{t-1} \quad (1) \text{ مالیات بر شرکتها}$$

$$\text{LogPAYTAX}_t = b_0 + b_1 \text{LogGDP}_t \quad (2) \text{ مالیات بر حقوق}$$

$$\text{LogOCUTAX}_t = c_0 + c_1 \text{LogCOMVAL}_t \quad (3) \text{ مالیات بر مشاغل}$$

$$\text{LogRESTAX}_t = d_0 + d_1 \text{LogGDP}_t \quad (4) \text{ مالیات بر مستغلات}$$

$$\text{LogWILTAX}_t = e_0 + e_1 \text{LogGDP}_t \quad (5) \text{ مالیات بر ثروت}$$

$$\text{LogIMPTAX}_t = f_0 + f_1 \text{LogOIL.REV}_{t-1} \quad (6) \text{ مالیات بر واردات}$$

$$\text{LogCSTAX}_t = g_0 + g_1 \text{LogPCE}_t \quad (7) \text{ مالیات بر مصرف و فروش}$$

$$\text{LogMONREV}_t = h_0 + h_1 \text{LogOILREV}_{t-1} \quad (8) \text{ درآمد های حاصل از انحصارات و مالکیت دولت}$$

$$\text{LogSSGRI:V}_t = i_0 + i_1 \text{LogGDP}_t \quad (9) \text{ درآمد های حاصل از خدمات و فروش کالا}$$

$$\text{LogMISREV}_t = j_0 + j_1 \text{LogGDP}_t \quad (10) \text{ درآمد های متفرقه}$$

در روابط فوق :

VATOT = ارزش افزوده کشاورزی + ارزش افزوده صنعت و معدن + ارزش افزوده بازرگانی

+ ارزش افزوده مؤسسه های مالی و پولی

OIL.REV = درآمد نفت

GDP = محصول ناخالص داخلی

COMVAL = ارزش افزوده خدمات بازرگانی، رستوران و هتلداری

RESVAL = ارزش افزوده خدمات مستغلات

PCE = هزینه های مصرفی خصوصی

درآمد نفت (OIL.REV) براساس فرضی که از مطالعات مربوط به امکانات تولید و صادرات نفت در قالب بررسی راهبرد توسعه این بخش حاصل خواهد گردید محاسبه و در الگو به صورت متغیر برونزا در نظر گرفته خواهد شد.

این الگو، با استفاده از آمار سری زمانی ۱۳۵۰-۱۳۷۵ و روش حداقل مربعات معمولی برآورد گردید که نتایج کلی برآورد معادله ها به شرح زیر است.

$$\text{LogCORTAX}_t = -2.44 + 0.60 \text{LogVATOT}_t + 0.38 \text{LogOILREV}_{t-1} \quad (11)$$

(8.7) (5.6) (4.1)

$$R^2 = 0.95$$

$$\text{ADF} = -6.2$$

$$\text{D.W.} = 2.16$$

$$\text{LogPAYTAX}_t = -4.94 + 0.97 \text{LogGDP}_t + 4.82 \text{DUM52}^* + 0.72 \text{AR}(1) \quad (12)$$

(3.6) (7.2) (23.9) (3.9)

$$R^2 = 0.97$$

$$\text{ADF} = -10.4$$

$$\text{D.W.} = 1.39$$

* DUM52 متغیری مجازی است که در سال ۱۳۵۲ معادل یک و برای بقیه سالها معادل صفر فرض شده است.

$$\text{LogOCUTAX}_t = -3.83 + 1.01 \text{LogCOMVAL}_{t-1} + 0.69 \text{AR}(1) \quad (13)$$

(-5.3) (11.6) (4.4)

$$R^2=0.98 \quad \text{ADF}=-3.9 \quad \text{D.W.}=1.46$$

$$\text{LogRESTAX}_t = -5.85 + 1.094 \text{LogRESVAL}_{t-1} + 0.86 \text{AR}(1) \quad (14)$$

(-2.5) (4.4) (9.6)

$$R^2=0.97 \quad \text{ADF}=-3.98 \quad \text{D.W.}=2.2$$

$$\text{LogWELTAX}_t = -5.96 + 1.002 \text{LogGDP}_t + 0.61 \text{AR}(1) \quad (15)$$

(-10.0) (17.1) (4.2)

$$R^2=0.99 \quad \text{ADF}=-5.4 \quad \text{D.W.}=1.91$$

$$\text{LogIMPTAX}_t = 0.36 + 0.734 \text{LogOILREV}_{t-1} - 0.712 \text{DUMS}^* \quad (16)$$

(0.83) (12.6) (-3.6)

$$R^2=0.88 \quad \text{ADF}=-3.99 \quad \text{D.W.}=1.27$$

$$\text{LogCSTAX}_t = -1.24 + 0.663 \text{LogPCI}_t + 0.70 \text{AR}(1) \quad (17)$$

(-1.31) (6.8) (4.5)

$$R^2=0.96 \quad \text{ADF}=4.1 \quad \text{D.W.}=1.62$$

$$\text{LogMONREV}_t = -0.43 + 0.557 \text{LogOILREV}_{t-1} - 5.83 \text{DUM59} \quad (18)$$

(-1.2) (11.4) (-17.0)

$$R^2=0.94 \quad \text{ADF}=-7.5 \quad \text{D.W.}=1.32$$

$$\text{LogSSGREV}_t = -6.96 + 1.19 \text{LogGDP}_t + 0.539 \text{AR}(1) \quad (19)$$

(-7.1) (12.2) (3.1)

$$R^2=0.97 \quad \text{ADF}=-6.6 \quad \text{D.W.}=1.97$$

$$\text{LogMISREV}_t = -8.17 + 1.31 \text{LogGDP}_t + 0.49 \text{AR}(1) \quad (20)$$

(-8.5) (13.7) (2.8)

$$R^2=0.97 \quad \text{ADF}=-5.1 \quad \text{D.W.}=1.98$$

* DUMS متغیری مجازی است که در دوره ۱۳۵۳-۱۳۵۷ معادل یک و برای بقیه سالها معادل صفر فرض شده است.

۱-۲. قسمت هزینه‌های جاری

هزینه‌های جاری بودجه عمومی دولت، طی دوره مورد بررسی (۱۳۵۰-۱۳۷۵)، به استثنای چند سال، همواره دارای روندی صعودی بوده است. با وجود این، سرعت این افزایش، در مقاطع مختلف، متفاوت است (جدول ۲).

در سالهای پیش از انقلاب اسلامی (۱۳۵۰-۱۳۵۷) هزینه‌های جاری، از ۱۹۹/۴ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۰، به ۱۳۸۷/۱ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۷ افزایش یافت. به بیان دیگر، نرخ رشد متوسط سالانه آن ۳۲ درصد بود. در این مقطع، هزینه‌های جاری دولت، به دلیل افزایش قیمت نفت از سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۳، افزایشی جهش دار داشته و از ۲/۲ میلیارد ریال به ۸۲۵/۸ میلیارد ریال رسیده است، به عبارت دیگر، بیش از ۱۲۳ درصد افزایش داشته است. در سال ۱۳۵۳، می‌توان گفت که دولت بدون مضیقه مالی و با دست باز و به گونه‌ای اسراف‌آمیز، مخارج خود را افزایش داده و در سالهای پس از آن نیز، نظر به ماهیت هزینه‌های جاری که عمدتاً پرداختهای پرسنلی و هزینه‌های جانبی آن است، و دشواری انعطاف در کاهش این هزینه‌ها، از رقم مطلق هزینه‌های جاری کاسته نشده است.

در دهه اول پس از انقلاب اسلامی، به‌رغم درگیر شدن در جنگ تحمیلی، از رشد هزینه‌های جاری به شدت کاسته شد، به طوری که نرخ رشد متوسط آن، طی دوره ۱۳۵۸-۱۳۶۷، به ۹/۴ درصد محدود گردید. با پایان یافتن جنگ تحمیلی و شروع کارهای سازندگی در کشور، روند رشد هزینه‌های جاری بار دیگر صعودی شد، به طوری که طی دوره برنامه اول و دو ساله اول برنامه دوم، نرخ رشد متوسط سالانه این هزینه‌ها، به ترتیب، معادل ۳۲/۲ و ۴۰/۴ درصد بود.

بررسی ترکیب هزینه‌های جاری طی دوره مورد بررسی، حاکی از این است که سهم اعتبارات امور دفاعی که پیش از انقلاب اسلامی، بالغ بر ۴۵ درصد بود، در سالهای پس از انقلاب، به حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد کاهش یافت، و در مقابل، به واسطه تأکیدی که در سالهای اخیر به برقراری عدالت اجتماعی در کشور می‌شود، سهم اعتبارات جاری امور اجتماعی، از حدود ۲۰ درصد در سالهای پیش از انقلاب، به بیش از ۴۰ درصد در دوره پس از انقلاب اسلامی افزایش یافت. سهم اعتبارات جاری امور عمومی در این دو دوره تغییر چشمگیری نداشت و افزایش سهم امور

اقتصادی در دوره ۱۳۶۸-۱۳۷۵، به دلیل ملحوظ شدن هزینه واردات فرآورده‌های نفتی و یارانه کالاهای اساسی در اعتبارات جاری فصل نفت و فصل بازرگانی می‌باشد.

مقایسه ترکیب هزینه‌های جاری

(درصد)

سال	امور عمومی	امور دفاعی	امور اجتماعی	امور اقتصادی	سایر	جمع
۱۳۵۰-۱۳۵۷	۹/۵	۴۴/۹	۲۰/۷	۹/۰	۱۵/۹	۱۰۰/۰
۱۳۵۸-۱۳۶۷	۱۲/۴	۱۶/۸	۳۵/۸	۹/۷	۲۵/۳	۱۰۰/۰
۱۳۶۸-۱۳۷۵	۱۰/۲	۱۲/۳	۴۲/۹	۱۵/۵	۱۹/۱	۱۰۰/۰

هزینه‌های جاری به قیمت‌های ثابت در سال‌های پیش از انقلاب اسلامی روندی صعودی داشت و از ۸۲۱/۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۰ به ۲۶۱۳/۹ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۷ رسید. نرخ رشد متوسط سالانه هزینه‌های جاری به قیمت‌های ثابت، طی این مدت، معادل ۱۸ درصد بود. در دهه اول پس از انقلاب اسلامی، این روند نزولی گشت و از ۲۶۶۱/۴ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۸ به ۱۲۲۲/۴ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۸ تقلیل یافت (رشد متوسط سالانه معادل ۷/۵- درصد). از سال ۱۳۶۹، روند رشد هزینه‌های جاری مثبت گردید، به طوری که نرخ رشد متوسط سالانه آن در دوره‌های برنامه اول و دو ساله اول برنامه دوم، به ترتیب، به ۴/۲ و ۱۰/۹ درصد رسید. به‌رغم این افزایش، هزینه‌های جاری دولت به قیمت‌های ثابت در سال ۱۳۷۵ هنوز حدود ۷ درصد کمتر از رقم مشابه سال ۱۳۵۸ بود.

نکته دیگری که در مورد هزینه‌های جاری باید مورد توجه قرار گیرد، ارتباط آن با درآمدهای مالیاتی است. از دیدگاه تأمین منابع مالی، رشد هزینه‌های جاری، در صورتی موجه است که عمدتاً از محل افزایش درآمدهای مالیاتی دولت، یعنی از بخشی از ارزش افزوده مجموعه فعالیت‌های تولیدی اقتصادی تأمین گردد. در این صورت، رشد هزینه‌های جاری به مثابه افزایش عرضه خدمات عمومی تلقی می‌گردد و پرداخت‌های مالیاتی به منزله سهمی است که

مصرف‌کنندگان برای خدمات عمومی پرداخت می‌نمایند. بررسی روند گذشته رشد هزینه‌های جاری در رابطه با درآمدهای مالیاتی، نمایشگر وابستگی شدید و فزاینده هزینه‌های جاری به درآمدهای غیرمالیاتی است. شکاف فزاینده بین هزینه‌های جاری درآمدهای مالیاتی که در سال ۱۳۵۰ معادل ۱۱۷/۲ میلیارد ریال بود، در سال ۱۳۵۶ به ۸۰۴ میلیارد ریال، در سال ۱۳۶۷ به ۲۳۹۵ میلیارد ریال و در سال ۱۳۷۶ (عملکرد قطعی) به ۲۷۶۵۲ میلیارد ریال رسید، که به تعبیری، کسری واقعی بودجه عمومی دولت را نشان می‌دهد، و طی سالهای اخیر، عمدتاً از محل درآمد نفت یا ثروت ملی کشور تأمین گردیده است.

الگوی هزینه‌های جاری، با توجه به چهار ملاحظه اساسی زیر، تعیین گردید:

الف) وظایف فعلی دولت و طبقه بندی مرسوم بودجه‌های سالانه.

ب) امکان جانشینی عوامل دیگر در انجام وظایف موجود دولت یا حذف تدریجی پاره‌ای از هزینه‌های غیرضروری.

ج) اهمیت نسبی فصول در کل اعتبارات جاری.

د) وظایفی که به موجب مواد مختلف قانون اساسی برعهده دولت گذاشته‌اند.

با توجه به ملاحظات فوق، هزینه‌های جاری به ۱۱ گروه تقسیم گردید: اطلاعات و ارتباطات جمعی، سایر امور عمومی، امور دفاعی، آموزش عمومی، بهداشت و درمان، تأمین اجتماعی و بهداشتی، آموزش عالی، سایر امور اجتماعی، امور اقتصادی، پرداختهای انتقالی، و سایر هزینه‌های جاری.

به طوری که می‌بینید، در مورد هزینه‌های امور عمومی، فصل اطلاعات و ارتباطات جمعی به طور جداگانه مورد بررسی قرار گرفته و سایر فصلهای منظور در امور عمومی که عمدتاً مربوط به اعمال حاکمیت درست می‌شوند، در یک مجموعه قرار گرفته‌اند. در خصوص هزینه‌های جاری فصل آموزش عالی، با توجه به اینکه تا سال ۱۳۶۱ اعتبارات ذی‌ربط در قالب اعتبارات فصل آموزش و پرورش منظور می‌گردید، برنامه‌های مربوط در دوره ۱۳۵۰-۱۳۶۱، از فصل آموزش و پرورش کسر و در فصل آموزش عالی منظور شد.

پرداختهای انتقالی، شامل تمام بارانه‌ها (از جمله، یارانه کالاهای اساسی، دارو و مانند اینها)،

کمکهای بلاعوض دولت و کمک زیان شرکتهای دولتی، از محل اعتبارات جاری بودجه عمومی دولت می‌گردد. با توجه به اینکه این پرداختها در بیشتر فصلهای هزینه‌های جاری سهم دارد، مبالغ مزبور از فصلهای ذی‌ربط کسر و در قالب گروه مورد بحث متمرکز گردید.

اعتبارات فصل آموزش فنی و حرفه‌ای، با توجه به ماهیت مشابه، در قالب گروه آموزش عمومی منظور گردید. در ضمن، با توجه به اینکه سایر هزینه‌های جاری، روند مشخصی نداشته و هر ساله حسب مورد اقلامی به آن اضافه یا کسر می‌گردیده است، برای منظور داشتن آن، معادله‌ای برای برآورد کل هزینه‌های جاری پیشنهاد شده و سایر هزینه‌های جاری به صورت باقیمانده کل هزینه‌های جاری و ۹ گروه یادشده، در نظر گرفته شده است. شکل کلی معادله‌های ۱۰ گروه فوق، به شرح زیر است:

$$\text{Log TCUREX}_t = a_0 + a_1 \text{LogGDP}_t + a_2 \text{Log OILREV}_t \quad (21) \text{ کل هزینه‌های جاری}$$

$$\text{Log INF'CUR}_t = b_0 + b_1 \text{LogINF'CUR}_{t-1} + b_2 \text{Log TRAVAI}_t \quad (22) \text{ اطلاعات و ارتباطات جمعی}$$

$$\text{Log GENCUR}_t = c_0 + c_1 \text{LogGENCUR}_{t-1} + c_2 \text{Log GAFVAL}_t \quad (23) \text{ سایر امور عمومی}$$

$$\text{Log DEFCUR}_t = d_0 + d_1 \text{LogDEFCUR}_{t-1} + d_2 \text{Log GAFVAL}_t \quad (24) \text{ امور دفاعی}$$

$$\text{LogGEDCUR}_t = e_0 + e_1 \text{LogGEDCUR}_{t-1} + e_2 \text{LogSOSVAL}_t + e_3 \text{LogSN}_t \quad (25) \text{ آموزش عمومی}$$

$$\text{LogHEACUR}_t = f_0 + f_1 \text{LogHEACUR}_{t-1} + f_2 \text{LogSOSVAL}_t + f_3 \text{LogPOP}_t \quad (26) \text{ بهداشت و درمان}$$

$$\text{LogSECCUR}_t = g_0 + g_1 \text{LogSECCUR}_{t-1} + g_2 \text{LogSOSVAL}_t + g_3 \text{LogPOP}_t \quad (27) \text{ تأمین اجتماعی و بهزیستی}$$

$$\text{LogHEDCUR}_t = h_0 + h_1 \text{LogHEDCUR}_{t-1} + h_2 \text{LogSOSVAL}_t + h_3 \text{LogUSN}_t \quad (28) \text{ آموزش عالی}$$

$$\text{Log OSOSCUR}_t = i_0 + i_1 \text{LogOSOSCUR}_{t-1} + i_2 \text{Log SERVAL}_t \quad (29) \text{ سایر امور اجتماعی}$$

$$\text{Log ECOCUR}_t = j_0 + j_1 \text{LogECOCUR}_{t-1} + j_2 \text{Log GAFVAL}_t \quad (30) \text{ امور اقتصادی}$$

$$\text{Log SUBTOT}_t = k_0 + k_1 \text{Log SUBTOT}_{t-1} + k_2 \text{Log OILREV}_t \quad (31) \text{ پرداختهای انتقالی}$$

تعریف هریک از متغیرهای تعریف نشده در روابط فوق، به شرح زیر است:

TRAVAI = ارزش افزوده خدمات حمل و نقل و ارتباطات و مخبرات (به قیمت‌های جاری)

GAFVAL = ارزش افزوده خدمات امور عمومی (به قیمت‌های جاری)

SOSVAL = ارزش افزوده خدمات اجتماعی، شخصی و خانگی (به قیمت‌های جاری)

SN = تعداد دانش آموزان آموزش عمومی و فنی و حرفه‌ای

POP = جمعیت

USN = تعداد دانشجویان دانشگاهها و مؤسسه‌های آموزش عالی

SERVAL = ارزش افزوده بخش خدمات (به قیمت‌های جاری)

دلیل اصلی این تقسیم‌بندی، امکان پذیر نمودن تدوین سیاست‌های مختلف بودجه‌ای در تعدیل حجم و تنظیم حرکات بودجه جاری هماهنگ با سیاست‌های کلان اقتصادی - اجتماعی کشور و در چارچوب منابع دولت در سال‌های آینده می‌باشد. برآورد معادله‌های فوق که با استفاده از آمار سری زمانی ۱۳۵۰-۱۳۷۵ صورت گرفته، به قرار زیر است.

$$\text{Log TCUREX}_t = -0.55 + 0.797 \text{ Log GDP}_t + 0.115 \text{ Log OIREV}_t + 0.87 \text{ AR}(1) \quad (32)$$

(-0.7) (7.9) (2.0) (11.3)

$$R^2 = 0.99 \quad \text{ADF} = -3.9 \quad \text{D.W.} = 1.87$$

$$\text{Log INF CUR}_t = -3.24 + 0.956 \text{ Log TRAVAI}_t + 0.77 \text{ AR}(1) \quad (33)$$

(-2.7) (6.1) (4.9)

$$R^2 = 0.97 \quad \text{ADF} = -5.0 \quad \text{D.W.} = 2.3$$

$$\text{Log GEN CUR}_t = -1.18 + 0.912 \text{ Log GAFVAL}_t + 0.54 \text{ AR}(1) \quad (34)$$

(-3.2) (19.2) (3.0)

$$R^2 = 0.99 \quad \text{ADF} = -4.0 \quad \text{D.W.} = 2.0$$

$$\text{Log DEF CUR}_t = 0.54 + 0.763 \text{ Log GAFVAL}_t + 0.791 \text{ DUMS}_t + 0.78 \text{ AR}(1) \quad (35)$$

(0.6) (7.4) (5.7) (4.5)

$$R^2 = 0.97 \quad \text{ADF} = -3.8 \quad \text{D.W.} = 1.7$$

$$\text{Log GEDCUR}_t = -4.98 + 0.733 \text{ Log GEDCUR}_{t-1} + 0.151 \text{ LogTOTREV}_t + 0.599 \text{ LogSN}_t \quad (36)$$

(-3.1) (15.1) (3.7) (2.9)

$$R^2 = 0.99 \quad \text{ADF} = -3.3 \quad h = -0.40$$

$$\text{Log HEACUR}_t = 0.42 + 0.830 \text{ Log SOSVAL}_t + 0.65 \text{ AR}(1) \quad (37)$$

(0.9) (11.3) (6.1)

$$R^2 = 0.99 \quad \text{ADF} = -3.7 \quad \text{D.W.} = 2.1$$

$$\text{Log SECCUR}_t = -0.98 + 0.634 \text{ Log SECCUR}_{t-1} + 0.444 \text{ Log SOSVAL}_t \quad (38)$$

(-1.7) (3.9) (2.3)

$$R^2 = 0.92 \quad \text{ADF} = -4.7 \quad h = 1.49$$

$$\text{Log HEDCUR}_t = -5.8 + 0.684 \text{ Log SOSVAL}_{t-1} + 1.151 \text{ LogUSN}_t - 0.48 \text{ DUMHED}^{**} + 0.8 \text{ AR}(1) \quad (39)$$

(-4.8) (5.3) (4.0) (-3.7) (6.0)

$$R^2 = 0.99 \quad \text{ADF} = -5.9 \quad \text{D.W.} = 1.5$$

$$\text{Log OSOSCUR}_t = -5.5 + 0.248 \text{ Log SERVAL}_t + 0.841 \text{ LogTOTREV}_t \quad (40)$$

(-21.3) (3.2) (9.4)

$$R^2 = 0.98 \quad \text{ADF} = -3.0 \quad \text{D.W.} = 1.6$$

$$\text{Log ECOCUR}_t = -1.61 + 0.815 \text{ Log GAI'VAL}_t + 1.04 \text{ DUM56}^{***} + 0.51 \text{ AR}(1) \quad (41)$$

(-2.8) (11.1) (4.9) (2.5)

$$R^2 = 0.95 \quad \text{ADF} = -6.6 \quad \text{D.W.} = 2.3$$

$$\text{Log SUBTOT}_t = -1.22 + 0.50 \text{ LogSUBTOT}_{t-1} + 0.563 \text{ LogOILREV}_t + 0.49 \text{ AR}(1) \quad (42)$$

(-1.5) (3.1) (3.7) (1.93)

$$R^2 = 0.95 \quad \text{ADF} = -3.0 \quad h = 1.69$$

* DUMHED متغیری مجازی است که در سالهای ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰ معادل یک و در بقیه سالها معادل صفر فرض شده است.

** DOM56 متغیری مجازی است که در سال ۱۳۵۶ معادل یک و در بقیه سالها معادل صفر فرض شده است.

۱-۳. قسمت هزینه‌های عمرانی

هزینه‌های عمرانی، طی دوره ۱۳۵۰-۱۳۵۶، به قیمت‌های جاری، از ۱۱۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۰، با نرخ رشد متوسط سالانه ۴۱/۴ درصد، به ۹۲۶/۸ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۶ افزایش یافته است. در این مقطع نیز خیز شدید هزینه‌های عمرانی دولت همزمان با افزایش درآمد نفت از ۱۳۵۲ به ۱۳۵۳ چشمگیر است. بدین ترتیب که هزینه‌های عمرانی دولت، از ۱۶۱/۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۲، به ۳۸۴/۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۳ افزایش می‌یابد. یعنی رشدی معادل ۱۳۸/۶ درصد را نشان می‌دهد. در سالهای ۱۳۵۸-۱۳۷۶، هزینه‌های عمرانی، به تبع تغییرات درآمدی دولت، به ویژه نوسانهای درآمد نفت، با افت و خیزهایی همراه است و به هر تقدیر، از ۶۵۷/۱ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۷، به ۸۱۶/۴ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۷ افزایش می‌یابد، که متناظر با نرخ رشد متوسط سالانه‌ای معادل ۲/۲ درصد است. از سال ۱۳۶۸، در اجرای برنامه‌های سازندگی پیش‌بینی شده در برنامه‌های اول و دوم توسعه، اعتبارات عمرانی، افزایش چشمگیری یافته است، به طوری که رشد متوسط سالانه آن طی دوره برنامه اول (۱۳۶۸-۱۳۷۲) به ۵۴/۷ درصد و در دو ساله اول برنامه دوم، به ۴۰/۵ درصد رسید. به دلیل رشد سریعتر اعتبارات عمرانی در سالهای اخیر، سهم آن در کل اعتبارات بودجه عمومی دولت، از ۱۹/۴ درصد در سال ۱۳۶۷، به ۳۴/۷ درصد در سال ۱۳۷۵ افزایش یافت.

بررسی ترکیب اعتبارات عمرانی طی دوره مورد بررسی، نشان می‌دهد که سهم اعتبارات امور اقتصادی، از ۶۹/۳ درصد در دوره ۱۳۵۰-۱۳۵۷، به ۶۱/۱ درصد در دوره ۱۳۵۸-۱۳۶۷ و ۵۶/۹ درصد در دوره ۱۳۶۸-۱۳۷۵ تقلیل یافت. سهم اعتبارات امور عمومی نیز طی این مدت، از ۱۰/۳ درصد، به ۴/۴ درصد کاهش داشت در مقابل، سهم اعتبارات عمرانی امور اجتماعی، از ۱۹/۹ درصد در دوره پیش از انقلاب اسلامی، به ۲۱/۶ درصد در دوره ۱۳۵۸-۱۳۶۷ و ۳۰/۴ درصد طی دوره ۱۳۶۸-۱۳۷۵ افزایش یافت.

مقایسه ترکیب هزینه‌های عمرانی

(درصد)

سال	امور عمومی	امور اجتماعی	امور اقتصادی	سایر	درصد
۱۳۵۷-۱۳۵۰	۱۰/۳	۱۹/۹	۶۹/۳	۰/۵	۱۰۰/۰
۱۳۶۷-۱۳۵۸	۴/۰	۲۱/۶	۶۱/۱	۱۳/۳	۱۰۰/۰
۱۳۷۵-۱۳۶۸	۴/۴	۳۰/۴	۵۶/۹	۸/۳	۱۰۰/۰

بررسی اعتبارات عمرانی بودجه عمومی دولت به قیمت‌های ثابت، حاکی از این است که اعتبارات مزبور در سال ۱۳۷۵ معادل ۶/۷۷۰ میلیارد ریال بوده است که اگرچه نسبت به رقم سال ۱۳۶۸، از رشد متوسط سالانه‌ای معادل ۱/۱۴ درصد برخوردار است، لکن نسبت به رقم متناظر سال ۱۳۶۲، حدود ۲۳ درصد و نسبت به رقم سال ۱۳۵۶، بالغ بر ۵۰ درصد کاهش دارد. به سخن دیگر، بخش عمده‌ای از افزایش مبلغ اسمی اعتبارات عمرانی طی سالهای اخیر، ناشی از افزایش قیمت‌ها بوده است.

در حال حاضر، تعهدات طرح‌های عمرانی ملی که از محل بودجه عمومی دولت تأمین مالی می‌شود، برای سالهای آینده، به قیمت‌های ثابت، معادل ۶۰۰۰۰ میلیارد ریال است، که با توجه به اینکه پیش‌بینی عملکرد طرح‌های ملی در سال ۱۳۷۷ حداکثر معادل ۱۴۰۰۰ میلیارد ریال است، مشخص می‌گردد که برای مدت چهار سال طرح‌های در دست اجرا در اختیار دولت است. بدین روی، در مورد پیشنهاد و تصویب طرح‌های جدید باید دقتی بیش از پیش منظور داشت و این گونه طرح‌ها فقط در مواردی کاملاً ضروری مورد پذیرش قرار گیرد.

بررسی هزینه‌های عمرانی در این گزارش از دو روش انجام گرفته است. در روش اول، با استفاده از اطلاعات مربوط به اعتبارات باقیمانده طرح‌های عمرانی نیمه تمام، زمانبندی مجددی از آنها در آینده به عمل می‌آید و با توجه به کل نیاز سرمایه‌گذاری که از تصویر کلان اقتصادی به دست خواهد آمد و سهم در نظر گرفته شده برای بخش غیردولتی در تأمین این نیاز حجم اعتباراتی که دولت علاوه بر نیاز طرح‌های موجود باید از طریق طرح‌های جدید تأمین نماید، مشخص

می‌گردد.

روش دوم، در چارچوب الگوی کلی مورد نظر در این بررسی است. در این خصوص، رابطه‌ای مشخص برای هر یک از فصلهای هزینه‌های عمرانی در نظر گرفته شده که شکل کلی آنها به قرار زیر است:

$\text{Log INFDEV}_t = b_0 + b_1 \text{Log INFDEV}_{t-1} + b_2 \text{TRAINV}_t$	(۴۳) اطلاعات و ارتباطات جمعی
$\text{Log BUILDEV}_t = c_0 + c_1 \text{Log BUILDEV}_{t-1} + c_2 \text{CONINV}_t$	(۴۴) ساختمانها و تأسیسات دولتی
$\text{Log EDUCDEV}_t = d_0 + d_1 \text{Log EDUCDEV}_{t-1} + d_2 \text{Log OSERINV}_t$	(۴۵) آموزش
$\text{Log CULDEV}_t = e_0 + e_1 \text{Log CULDEV}_{t-1} + e_2 \text{Log OSERINV}_t$	(۴۶) فرهنگ و هنر
$\text{Log HEADDEV}_t = f_0 + f_1 \text{Log HEADDEV}_{t-1} + f_2 \text{Log OSERINV}_t$	(۴۷) بهداشت و درمان
$\text{Log SDCDBV}_t = g_0 + g_1 \text{Log SDCDEV}_{t-1} + g_2 \text{Log OSERINV}_t$	(۴۸) تأمین اجتماعی و بزه‌پستی
$\text{Log SPODEV}_t = h_0 + h_1 \text{Log SPODEV}_{t-1} + h_2 \text{Log OSERINV}_t$	(۴۹) تربیت بدنی و امور جوانان
$\text{Log URBDEV}_t = i_0 + i_1 \text{Log URBDEV}_{t-1} + i_2 \text{Log WPOINV}_t$	(۵۰) عمران شهرها
$\text{Log RURDEV}_t = j_0 + j_1 \text{Log RURDEV}_{t-1} + j_2 \text{Log WPOINV}_t$	(۵۱) عمران روستاها
$\text{Log HOUEDEV}_t = k_0 + k_1 \text{Log HOUEDEV}_{t-1} + k_2 \text{Log CONINV}_t$	(۵۲) تأمین مسکن
$\text{Log ENVDEV}_t = l_0 + l_1 \text{Log ENVDEV}_{t-1} + l_2 \text{Log OSERINV}_t$	(۵۳) حفاظت محیط زیست
$\text{Log MULDEV}_t = m_0 + m_1 \text{Log MULDEV}_{t-1} + m_2 \text{Log OSERINV}_t$	(۵۴) عملیات چند منظوره توسعه نواحی
$\text{Log AGRDEV}_t = n_0 + n_1 \text{Log AGRDEV}_{t-1} + n_2 \text{Log AGRINV}_t$	(۵۵) کشاورزی
$\text{Log WATDEV}_t = p_0 + p_1 \text{Log WATDEV}_{t-1} + p_2 \text{Log WPOINV}_t$	(۵۶) منابع آب
$\text{Log POWDEV}_t = q_0 + q_1 \text{Log POWDEV}_{t-1} + q_2 \text{Log WPOINV}_t$	(۵۷) برق
$\text{Log INDDEV}_t = r_0 + r_1 \text{Log INDDEV}_{t-1} + r_2 \text{Log INDINV}_t$	(۵۸) صنایع
$\text{Log MINDEV}_t = m_0 + m_1 \text{Log MINDEV}_{t-1} + m_2 \text{Log INDINV}_t$	(۵۹) معادن
$\text{Log COMDEV}_t = t_0 + t_1 \text{Log COMDEV}_{t-1} + t_2 \text{Log OSERINV}_t$	(۶۰) بازرگانی
$\text{Log TRADEV}_t = u_0 + u_1 \text{Log TRADEV}_{t-1} + u_2 \text{Log TRAINV}_t$	(۶۱) راه و ترابری
$\text{Log POSDEV}_t = v_0 + v_1 \text{Log POSDEV}_{t-1} + v_2 \text{Log TRAINV}_t$	(۶۲) پست و مخابرات
$\text{Log TOUDEV}_t = w_0 + w_1 \text{Log TOUDEV}_{t-1} + w_2 \text{Log OSERINV}_t$	(۶۳) زیات و سیاحت
$\text{Log TDEVEX}_t = x_0 + x_1 \text{Log TOFINV}_{t-1} + x_2 \text{Log OILREV}_t$	(۶۴) کل اعتبارات عمرانی

در روابط فوق :

OSERINV = سرمایه گذاری در سایر خدمات

TRAINV = سرمایه گذاری در بخش حمل و نقل و ارتباطات

CONINV = سرمایه گذاری در بخش ساختمان

WPOINV = سرمایه گذاری در بخش آب و برق

AGRINV = سرمایه گذاری در بخش کشاورزی

INDINV = سرمایه گذاری در بخش صنعت و معدن

TOTONV = کل سرمایه گذاری (تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی)

به طوری که می‌بینید، در روابط فوق، اعتبارات عمرانی فصلهای مختلف به عنوان تابعی از سرمایه گذاری در بخش متناظر در حسابهای ملی در نظر گرفته شده است. اعتبارات عمرانی فصلهای آموزش و پرورش عمومی، آموزش فنی و حرفه‌ای و آموزش عالی، در قالب رابطه شماره (۴۵) تحت عنوان کلی آموزش متمرکز شده است. اعتبارات عمرانی فصلهای نفت و گاز نیز با توجه به قلت مشاهدات ذی ربط، از طریق روش اول یادشده برآورد و به صورت برونزا در الگو منظور خواهد شد. در مورد سایر اعتبارات عمرانی، مانند الگوی پیشنهادی قسمت هزینه‌های جاری، معادله‌ای برای برآورد کل هزینه‌های عمرانی پیشنهاد شده است (رابطه ۶۵) و سایر هزینه‌های عمرانی به صورت باقیمانده کل هزینه‌های عمرانی و سایر فصلهای دارای رابطه مشخص، در نظر گرفته شده است.

برآورد معادله‌های فوق که با استفاده از آمار سری زمانی دوره ۱۳۵۰-۱۳۷۵ صورت گرفته، به قرار زیر است.

$$\text{Log STADEV}_t = -8.70 + 1.320 \text{ Log OSERINV}_t + 0.65 \text{ AR} \quad (1) \quad (65)$$

$$(-4.6) \quad (5.6) \quad (-1.5)$$

$$R^2=0.89$$

$$\text{ADF}=-5.4$$

$$\text{D.W.}=1.81$$

$$\text{Log INFDEV}_t = -2.32 + 0.532 \text{ Log INFDEV}_{t-1} + 0.542 \text{ Log TRAINV}_t + 1.22 \text{DUM53} \quad (66)$$

$$(-3.4) \quad (3.2) \quad (3.6) \quad (2.6)$$

$$R^2=0.89 \quad \text{ADF}=-5.1 \quad h= -0.73$$

$$\text{Log BUIDEV}_t = -1.43 + 0.37 \text{ Log BUIDEV}_{t-1} - 0.49 \text{ LogTOTREV}_t + 0.68 \text{ AR} (1) \quad (67)$$

$$(-1.4) \quad (2.8) \quad (3.4) \quad (4.1)$$

$$R^2=0.95 \quad \text{ADF}=-5.3 \quad h= *None*$$

$$\text{Log EDUCDEV}_t = -3.04 + 1.017 \text{ Log OSERINV}_t + 0.693 \text{ AR} (1) \quad (68)$$

$$(-3.6) \quad (9.7) \quad (4.4)$$

$$R^2=0.98 \quad \text{ADF}=-3.7 \quad \text{D.W.}=1.5$$

$$\text{Log CULDEV}_t = -9.56 + 1.437 \text{ Log OSERINV}_t + 0.85 \text{ AR} (1) \quad (69)$$

$$(-3.5) \quad (4.6) \quad (9.8)$$

$$R^2=0.95 \quad \text{ADF}=-4.0 \quad \text{D.W.}=2.2$$

$$\text{Log HEADDEV}_t = -5.34 + 1.197 \text{ Log OSERINV}_t + 0.46 \text{ AR} (1) \quad (70)$$

$$(-8.8) \quad (15.3) \quad (3.1)$$

$$R^2=0.97 \quad \text{ADF}=-5.0 \quad \text{D.W.}=1.4$$

$$\text{Log SECDDEV}_t = -6.91 + 1.099 \text{ Log OSERINV}_t + 0.467 \text{ AR} (1) \quad (71)$$

$$(-8.0) \quad (9.8) \quad (2.6)$$

$$R^2=0.93 \quad \text{ADF}=-4.3 \quad \text{D.W.}=1.5$$

$$\text{Log SPODEV}_t = -6.63 + 1.153 \text{ Log OSERINV}_t + 0.805 \text{ AR} (1) + 1.12 \text{DUM53} \quad (72)$$

$$(-3.3) \quad (4.9) \quad (5.8) \quad (3.7)$$

$$R^2=0.94 \quad \text{ADF}=-3.9 \quad \text{D.W.}=1.3$$

$$\text{Log URBDEV}_t = -0.62 + 0.502 \text{ Log URBDEV}_{t-1} + 0.457 \text{ Log WPOINV}_t \quad (٧٣)$$

$$(-1.3) \quad (2.3) \quad (2.3)$$

$$R^2=0.92 \quad \text{ADF}=-6.7 \quad h= \text{*None*}$$

$$\text{Log RURDEV}_t = -1.02 + 0.777 \text{ Log RURDEV}_{t-1} + 0.334 \text{ Log WPOINV}_t \quad (٧٤)$$

$$(-1.8) \quad (4.1) \quad (2.0)$$

$$R^2=0.87 \quad \text{ADF}=-5.1 \quad h= -1.39$$

$$\text{Log HOUDEV}_t = 3.0 + 0.355 \text{ Log CONINV}_t - 1.29 \text{ DUM } 68 + 0.68 \text{ AR } (1) \quad (٧٥)$$

$$(4.4) \quad (2.6) \quad (-3.7) \quad (4.6)$$

$$R^2=0.82 \quad \text{ADF}=-3.8 \quad \text{D.W.}=1.9$$

$$\text{Log ENVDEV}_t = -10.42 + 1.372 \text{ Log OSERINV}_t + 0.769 \text{ AR } (1) \quad (٧٦)$$

$$(-5.1) \quad (5.6) \quad (6.4)$$

$$R^2=0.94 \quad \text{ADF}=-4.1 \quad h= \text{*None*}$$

$$\text{Log MULDEV}_t = -5.18 + 0.491 \text{ Log MULDEV}_{t-1} + 0.81 \text{ Log OSERINV}_t \quad (٧٧)$$

$$(-2.2) \quad (2.2) \quad (2.3)$$

$$R^2=0.92 \quad \text{ADF}=-4.8 \quad \text{D.W.}=1.9$$

$$\text{Log AGRDEV}_t = -0.34 + 0.906 \text{ Log AGRINV}_t - 0.445 \text{ AR } (2) \quad (٧٨)$$

$$(-2.3) \quad (31.6) \quad (-2.3)$$

$$R^2=0.96 \quad \text{ADF}=-4.8 \quad \text{D.W.}=1.6$$

$$\text{Log WATDEV}_t = -0.06 + 0.857 \text{ Log WPOINV}_t + 0.683 \text{ AR } (1) \quad (٧٩)$$

$$(-0.1) \quad (9.1) \quad (3.7)$$

$$R^2=0.97 \quad \text{ADF}=-4.9 \quad \text{D.W.}=1.7$$

$$\text{Log POWDEV}_t = -0.62 + 0.918 \text{ Log WPOINV}_t + 0.811 \text{ AR (1)} \quad (80)$$

$$(-0.4) \quad (4.6) \quad (5.7)$$

$$R^2=0.89 \quad \text{ADF}=-3.9 \quad \text{D.W.}=2.1$$

$$\text{Log INDDEV}_t = 3.25 + 0.259 \text{ Log INDINV}_t + 0.56 \text{ DUMS}_t + 0.78 \text{ AR (1)} \quad (81)$$

$$(3.8) \quad (2.3) \quad (2.4) \quad (6.4)$$

$$R^2=0.84 \quad \text{ADF}=-4.2 \quad \text{D.W.}=1.7$$

$$\text{Log MINDEV}_t = -0.43 + 0.499 \text{ Log INDINV}_t + 0.612 \text{ AR (1)} \quad (82)$$

$$(0.9) \quad (6.7) \quad (3.5)$$

$$R^2=0.93 \quad \text{ADF}=-3.8 \quad \text{D.W.}=1.6$$

$$\text{Log COMDEV}_t = -7.63 + 1.235 \text{ Log OSERINV}_t \quad (83)$$

$$(-13.2) \quad (17.6)$$

$$R^2=0.96 \quad \text{ADF}=-2.8 \quad \text{D.W.}=1.4$$

$$\text{Log TRADEV}_t = -0.51 + 0.31 \text{ Log TRADEV}_{t-1} + 0.665 \text{ Log TRAINV}_t - 0.39 \text{ AR (2)} \quad (84)$$

$$(-3.2) \quad (3.2) \quad (7.7) \quad (-1.9)$$

$$R^2=0.98 \quad \text{ADF}=-4.0 \quad h=0.74$$

$$\text{Log POSDEV}_t = -1.19 + 0.947 \text{ Log POSDEV}_{t-1} + 0.242 \text{ Log TRAINV}_t - 1.59 \text{ DUM 63} \quad (85)$$

$$(-2.5) \quad (10.1) \quad (3.0) \quad (-3.2)$$

$$R^2=0.87 \quad \text{ADF}=-3.5 \quad h=0.19$$

$$\text{Log TOUDEV}_t = -0.08 + 0.944 \text{ Log TOUDEV}_{t-1} - 1.65 \text{ DUM 63} + 2.25 \text{ DUM 69} \quad (86)$$

$$(0.6) \quad (9.2) \quad (-2.6) \quad (3.5)$$

$$R^2=0.79 \quad \text{ADF}=-4.8 \quad h=0.70$$

(میلیون ریال)

جدول ۱. ترکیب درآمدهای دولت ۱۳۵۰-۱۳۷۶

سال	درآمدهای غیر مستقیم		درآمدهای مستقیم		درآمدهای غیر ارزی		درآمدهای ارزی	
	کل	سایر	کل	سایر	کل	سایر	کل	سایر
۱۳۵۰	۱۲۶۵	۲۰۳۳	۱۳۶۸	۲۶۲۸	۱۳۶۸	۲۶۲۸	۱۳۶۸	۲۶۲۸
۱۳۵۱	۱۵۸۶	۲۰۵۶	۱۵۹۱	۲۵۳۵	۱۵۹۱	۲۵۳۵	۱۵۹۱	۲۵۳۵
۱۳۵۲	۱۶۵۷	۲۰۸۷	۱۷۵۲	۲۵۹۲	۱۷۵۲	۲۵۹۲	۱۷۵۲	۲۵۹۲
۱۳۵۳	۱۵۸۷	۲۰۶۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹
۱۳۵۴	۱۶۵۷	۲۰۶۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹
۱۳۵۵	۱۶۵۷	۲۰۶۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹
۱۳۵۶	۱۶۵۷	۲۰۶۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹
۱۳۵۷	۱۶۵۷	۲۰۶۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹
۱۳۵۸	۱۶۵۷	۲۰۶۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹
۱۳۵۹	۱۶۵۷	۲۰۶۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹
۱۳۶۰	۱۶۵۷	۲۰۶۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹
۱۳۶۱	۱۶۵۷	۲۰۶۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹
۱۳۶۲	۱۶۵۷	۲۰۶۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹
۱۳۶۳	۱۶۵۷	۲۰۶۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹
۱۳۶۴	۱۶۵۷	۲۰۶۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹
۱۳۶۵	۱۶۵۷	۲۰۶۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹
۱۳۶۶	۱۶۵۷	۲۰۶۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹
۱۳۶۷	۱۶۵۷	۲۰۶۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹
۱۳۶۸	۱۶۵۷	۲۰۶۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹
۱۳۶۹	۱۶۵۷	۲۰۶۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹
۱۳۷۰	۱۶۵۷	۲۰۶۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹
۱۳۷۱	۱۶۵۷	۲۰۶۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹
۱۳۷۲	۱۶۵۷	۲۰۶۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹
۱۳۷۳	۱۶۵۷	۲۰۶۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹
۱۳۷۴	۱۶۵۷	۲۰۶۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹
۱۳۷۵	۱۶۵۷	۲۰۶۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹
۱۳۷۶	۱۶۵۷	۲۰۶۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹	۱۶۱۱	۲۵۰۹

منبع: سازمان برنامه و بودجه، گزارش عملکرد بودجه دولت، سالهای ۱۳۵۰ تا ۱۳۷۶.

توسعه کل دوره

جدول ۲. هزینه‌های جاری برحسب امروز و فصل

(میلیارد ریال)

سال	امروز	میانگین	تفاوت	نسبت	تفاوت	نسبت	تفاوت	نسبت	تفاوت	نسبت	تفاوت	نسبت
	میلیارد ریال	میلیارد ریال	میلیارد ریال	درصد	میلیارد ریال	میلیارد ریال	درصد	میلیارد ریال	میلیارد ریال	درصد	میلیارد ریال	میلیارد ریال
۱۳۵۰	۲۵۹/۳۹	۲۲۳/۱۷	۳۶/۲۲	۱۰۰/۳	۲۵۹/۳۹	۲۲۳/۱۷	۱۰۰/۳	۳۶/۲۲	۲۵۹/۳۹	۱۰۰/۳	۳۶/۲۲	۲۵۹/۳۹
۱۳۵۱	۲۵۱	۲۲۳/۱۷	۲۷/۸۳	۰/۹۱	۲۵۱	۲۲۳/۱۷	۲۷/۸۳	۰/۹۱	۲۵۱	۱۰۰/۳	۲۷/۸۳	۲۵۱
۱۳۵۲	۲۵۳	۲۲۳/۱۷	۲۹/۸۳	۰/۹۵	۲۵۳	۲۲۳/۱۷	۲۹/۸۳	۰/۹۵	۲۵۳	۱۰۰/۳	۲۹/۸۳	۲۵۳
۱۳۵۳	۲۵۳	۲۲۳/۱۷	۲۹/۸۳	۰/۹۵	۲۵۳	۲۲۳/۱۷	۲۹/۸۳	۰/۹۵	۲۵۳	۱۰۰/۳	۲۹/۸۳	۲۵۳
۱۳۵۴	۲۵۳	۲۲۳/۱۷	۲۹/۸۳	۰/۹۵	۲۵۳	۲۲۳/۱۷	۲۹/۸۳	۰/۹۵	۲۵۳	۱۰۰/۳	۲۹/۸۳	۲۵۳
۱۳۵۵	۲۵۳	۲۲۳/۱۷	۲۹/۸۳	۰/۹۵	۲۵۳	۲۲۳/۱۷	۲۹/۸۳	۰/۹۵	۲۵۳	۱۰۰/۳	۲۹/۸۳	۲۵۳
۱۳۵۶	۲۵۳	۲۲۳/۱۷	۲۹/۸۳	۰/۹۵	۲۵۳	۲۲۳/۱۷	۲۹/۸۳	۰/۹۵	۲۵۳	۱۰۰/۳	۲۹/۸۳	۲۵۳
۱۳۵۷	۲۵۳	۲۲۳/۱۷	۲۹/۸۳	۰/۹۵	۲۵۳	۲۲۳/۱۷	۲۹/۸۳	۰/۹۵	۲۵۳	۱۰۰/۳	۲۹/۸۳	۲۵۳
۱۳۵۸	۲۵۳	۲۲۳/۱۷	۲۹/۸۳	۰/۹۵	۲۵۳	۲۲۳/۱۷	۲۹/۸۳	۰/۹۵	۲۵۳	۱۰۰/۳	۲۹/۸۳	۲۵۳
۱۳۵۹	۲۵۳	۲۲۳/۱۷	۲۹/۸۳	۰/۹۵	۲۵۳	۲۲۳/۱۷	۲۹/۸۳	۰/۹۵	۲۵۳	۱۰۰/۳	۲۹/۸۳	۲۵۳
۱۳۶۰	۲۵۳	۲۲۳/۱۷	۲۹/۸۳	۰/۹۵	۲۵۳	۲۲۳/۱۷	۲۹/۸۳	۰/۹۵	۲۵۳	۱۰۰/۳	۲۹/۸۳	۲۵۳
۱۳۶۱	۲۵۳	۲۲۳/۱۷	۲۹/۸۳	۰/۹۵	۲۵۳	۲۲۳/۱۷	۲۹/۸۳	۰/۹۵	۲۵۳	۱۰۰/۳	۲۹/۸۳	۲۵۳
۱۳۶۲	۲۵۳	۲۲۳/۱۷	۲۹/۸۳	۰/۹۵	۲۵۳	۲۲۳/۱۷	۲۹/۸۳	۰/۹۵	۲۵۳	۱۰۰/۳	۲۹/۸۳	۲۵۳
۱۳۶۳	۲۵۳	۲۲۳/۱۷	۲۹/۸۳	۰/۹۵	۲۵۳	۲۲۳/۱۷	۲۹/۸۳	۰/۹۵	۲۵۳	۱۰۰/۳	۲۹/۸۳	۲۵۳
۱۳۶۴	۲۵۳	۲۲۳/۱۷	۲۹/۸۳	۰/۹۵	۲۵۳	۲۲۳/۱۷	۲۹/۸۳	۰/۹۵	۲۵۳	۱۰۰/۳	۲۹/۸۳	۲۵۳
۱۳۶۵	۲۵۳	۲۲۳/۱۷	۲۹/۸۳	۰/۹۵	۲۵۳	۲۲۳/۱۷	۲۹/۸۳	۰/۹۵	۲۵۳	۱۰۰/۳	۲۹/۸۳	۲۵۳
۱۳۶۶	۲۵۳	۲۲۳/۱۷	۲۹/۸۳	۰/۹۵	۲۵۳	۲۲۳/۱۷	۲۹/۸۳	۰/۹۵	۲۵۳	۱۰۰/۳	۲۹/۸۳	۲۵۳
۱۳۶۷	۲۵۳	۲۲۳/۱۷	۲۹/۸۳	۰/۹۵	۲۵۳	۲۲۳/۱۷	۲۹/۸۳	۰/۹۵	۲۵۳	۱۰۰/۳	۲۹/۸۳	۲۵۳
۱۳۶۸	۲۵۳	۲۲۳/۱۷	۲۹/۸۳	۰/۹۵	۲۵۳	۲۲۳/۱۷	۲۹/۸۳	۰/۹۵	۲۵۳	۱۰۰/۳	۲۹/۸۳	۲۵۳
۱۳۶۹	۲۵۳	۲۲۳/۱۷	۲۹/۸۳	۰/۹۵	۲۵۳	۲۲۳/۱۷	۲۹/۸۳	۰/۹۵	۲۵۳	۱۰۰/۳	۲۹/۸۳	۲۵۳
۱۳۷۰	۲۵۳	۲۲۳/۱۷	۲۹/۸۳	۰/۹۵	۲۵۳	۲۲۳/۱۷	۲۹/۸۳	۰/۹۵	۲۵۳	۱۰۰/۳	۲۹/۸۳	۲۵۳

منابع: انجمن بودجه و حسابات

کلی	سایر	جهت نظردی	پست و	ترازگانی	ممان	کار	نفت	منابع	برق	منابع	کف درزی	امور	سال
جاری	جاری	مطابرات	ترازگانی	ممان	کار	نفت	منابع	برق	منابع	کف درزی	و تسهیلات	اقتصادی	سال
۱۹۹/۲۰	۵۲/۸۸	۰/۰۹	۲/۲۱	۲/۸۶	۰/۰۹	۰/۰۵	۰/۰۰	۰/۰۰	۱/۲۲	۱/۰۱	۵/۲۸	۱۲/۹۸	۱۳۰۰
۲۸۲/۳۰	۸۸/۹۲	۰/۲۵	۲/۱۷	۲/۲۱	۰/۱۶	۰/۳۵	۰/۰۰	۰/۰۰	۱/۷۹	۱/۷۲	۹/۵۳	۲۱/۲۴	۱۳۵۱
۲۷۰/۲۰	۹۵/۸۹	۰/۱۴	۱/۹۱	۲/۵۵	۰/۵۷	۰/۲۱	۰/۰۰	۰/۰۰	۲/۲۷	۱/۳۱	۱۲/۳۸	۲۱/۲۴	۱۳۵۲
۸۲۵/۸۰	۱۸۵/۲۹	۰/۱۵	۲/۱۲	۶/۲۱	۰/۲۸	۰/۳۶	۰/۰۰	۰/۰۰	۲/۸۲	۱/۵۶	۵۷/۸۸	۷۵/۲۰	۱۳۵۳
۹۶۹/۸۰	۱۲۸/۸۲	۰/۱۵	۲/۵۹	۹/۹۶	۰/۳۲	۰/۲۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۲/۱۵	۲/۲۶	۸۵/۵۲	۱۰۹/۱/۲	۱۳۵۴
۱۰۸۳/۸۰	۱۳۰/۲۳	۰/۳۳	۵/۰۸	۸/۸۲	۰/۲۶	۰/۲۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۲/۰۴	۱۵/۲۵	۲۱/۸۱	۵۸/۳۸	۱۳۵۵
۱۲۸۷/۱۰	۱۲۲/۵۰	۰/۷۰	۲/۷۰	۱۱/۹۲	۰/۷۶	۰/۵۱	۰/۰۰	۰/۰۰	۸/۰۱	۱۵/۱۵	۲۴/۲۲	۱۳۲/۵۸	۱۳۵۶
۱۳۸۷/۱۰	۱۲۱/۲۸	۰/۵۱	۲/۰۲	۸/۵۴	۰/۵۷	۰/۵۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۹/۱۵	۱۷/۷۶	۱۹/۲۲	۱۱۶/۳۲	۱۳۵۷
۱۹۹۲/۹۰	۲۸۲/۵۲	۰/۸۸	۲/۷۲	۱۱/۹۵	۸۲/۲۲	۰/۹۹	۰/۰۰	۰/۰۰	۲۶/۲۲	۱۵/۱۰	۲۹/۲۷	۲۰۲/۲۱	۱۳۵۸
۱۶۸۱/۲۰	۲۱۲/۲۹	۰/۷۷	۲/۷۸	۲۰/۹۰	۲۸/۸۲	۰/۹۷	۰/۰۰	۰/۰۰	۱۶/۵۵	۵/۹۱	۲۵/۳۵	۲۶۷/۷۰	۱۳۵۹
۲۴۲/۲۰	۵۵۲/۸۹	۰/۷۰	۸/۰۲	۳۲/۸۸	۹۵/۵۳	۰/۸۶	۰/۰۰	۰/۰۰	۲۰/۲۵	۷/۸۲	۳۸/۸۹	۲۵۱/۷۵	۱۳۶۰
۲۵۱/۵۰	۲۲۹/۲۱	۰/۲۲	۹/۹۲	۳۰/۶۰	۱۰۱/۵۲	۱/۱۹	۲/۵۸	۲/۹۸	۲۹/۹۲	۱۲/۱۹	۲۰/۲۶	۲۵۵/۲۹	۱۳۶۱
۲۵۲/۱۰	۸۶/۸۶	۰/۲۲	۹/۰۱	۲۷/۳۹	۵۸/۳۲	۰/۲۶	۱۱/۵۹	۲/۵۸	۸/۲۲	۲/۱۱	۲۵/۲۳	۱۵۲/۷۷	۱۳۶۲
۲۲۷۵/۶۰	۵۵۲/۵۷	۰/۲۵	۱۱/۷۶	۳۲/۱۹	۷۷/۷۶	۱/۱۶	۰/۰۰	۱۱۸/۸۹	۶/۷۲	۲/۱۰	۳۰/۰۶	۲۶۷/۷۰	۱۳۶۳
۲۵۲۸/۱۰	۵۵۸/۷۰	۰/۱۰	۱۲/۸۰	۳۲/۱۰	۱۰/۵۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۱۰۲/۰۰	۲/۲۰	۲/۲۰	۱۶۶/۰۰	۲۸۲/۰۰	۱۳۶۴
۲۹۱۱/۲۰	۷۲۲/۹۰	۰/۲۰	۱۲/۲۰	۳۲/۹۰	۱۱/۲۰	۶/۹۰	۰/۰۰	۱۳۲/۱۰	۹/۰۰	۱/۹۰	۲۲/۲۰	۲۵۹/۵۰	۱۳۶۵
۲۲۹۲/۲۰	۹۲۷/۲۰	۰/۳۰	۱۶/۲۰	۳۲/۲۰	۱۲/۵۰	۷/۵۰	۰/۰۰	۱۳۲/۶۰	۹/۲۰	۲/۱۰	۲۸/۵۰	۲۸۲/۰۰	۱۳۶۶
۲۳۸۵/۲۰	۶۱۲/۲۷	۰/۲۹	۶/۲۲	۶۱/۱۷	۱۳/۲۵	۲/۲۱	۰/۰۰	۷۳/۲۵	۵/۷۷	۲/۸۵	۵/۵۵	۲۶۶/۲۲	۱۳۶۷
۲۹۲۴/۸۰	۶۲۲/۲۹	۱/۷۰	۵/۲۲	۷۲/۲۶	۵۸/۱۲	۲/۰۱	۰/۰۰	۱۰۸/۱۶	۱۱/۵۵	۲/۸۰	۲/۸۲	۳۰۰/۰۰	۱۳۶۸
۵۵۶/۲۰	۸۸۸/۶۴	۲/۵۸	۱۱/۷۷	۸۷/۲۴	۲۰/۶۲	۲/۹۲	۰/۰۰	۱۲/۱۶	۲۵/۲۲	۲/۵۰	۲/۲۲	۲۶۵/۵۰	۱۳۶۹
۷۸۰۷/۹۰	۱۵۰۹/۹۲	۲/۵۲	۹/۸۷	۱۲۶/۰۶	۲۲/۷۸	۵/۲۳	۰/۰۰	۱۱۲/۰۶	۱۲/۲۲	۲/۱۰	۲/۲۲	۲۶۵/۵۰	۱۳۷۰
۱۳۵۲/۲۰	۸۲۱/۷۶	۱/۲۴	۹/۲۵	۲۶۶/۰۲	۱۶۰/۵۲	۲/۲۵	۰/۰۰	۸۱/۵۶	۲۷/۱۲	۶/۰۵	۱۷/۰۴	۲۶۷/۰/۸	۱۳۷۱
۲۰۰۰/۱۰	۲۰۵۵/۴۴	۱/۲۴	۱۳/۹۱	۱۰۹/۳۹	۳۱۹۲/۲۰	۸/۲۱	۰/۰۰	۸۵/۲/۹۵	۲۱/۱۲	۷/۲۴	۱۵/۳۲	۸۲۸/۷۲	۱۳۷۲
۲۸۸۸/۲۰	۵۵۵۵/۱۶	۱/۲۴	۱۸/۲۲	۱۱۲/۹۸	۳۳۹۱/۷۱	۹/۵۶	۰/۰۰	۱۳۲۷/۶۱	۲۹/۷۲	۱۰/۵۵	۱۹۸/۹۵	۵۰۷۲/۵۱	۱۳۷۳
۲۸۸۰/۲۰	۱۱۰۵۲۲/۵۵	۲۵۹/۶۰	۲۹/۲۲	۲۸۲/۷۰	۱۱۵/۵۲	۱۲/۹۲	۰/۰۰	۱۰۶۶/۰۶	۲۸/۷۲	۸/۸۱	۲۶/۵۱	۲۳۰۲/۱۶	۱۳۷۴
۲۷۱۹/۰/۸۰	۱۲۰۵۲/۲۸	۲۳۷/۱۰	۲۷/۲۸	۲۱۷/۲۰	۱۶۵/۲۵	۱۵/۶۸	۰/۰۰	۱۱۲۷/۸۶	۲۵/۵۸	۱۰/۹۲	۲۶۱/۸۲	۲۶۶/۲۱	۱۳۷۵
۵۵۵۰/۸/۷۰	۱۲۳۲۱/۱۲	۲۹۲/۸۰	۱۲/۸۲	۲۵۲/۰۹	۱۸۷/۲۶	۲۵/۹۰	۲۱۰/۰۰	۱۵۱۲/۹۰	۱۲/۷۲	۱۱/۲۰	۶۷۹/۱۹	۲۵۶/۰۹	۱۳۷۶

(میلیارد ریال)

توسعه عمومی	آموزش و پرورش عمومی	روانشناسی و بهداشت	خدمات اجتماعی	سازمان	فرهنگ و تفریح	سازمان	تعمیرات	تعمیرات	تعمیرات	تعمیرات	تعمیرات	تعمیرات	تعمیرات	تعمیرات	تعمیرات	تعمیرات	تعمیرات	تعمیرات	تعمیرات
۱۳۵۰	۱۹/۲۷	۶/۵۵	۴/۳۵	۳/۶۱	۴/۲۸	۱/۵۱	۱/۵۳	۱/۹۱	۴/۶۸	۴/۵۵	۴/۵۵	۴/۵۵	۴/۵۵	۴/۵۵	۴/۵۵	۴/۵۵	۴/۵۵	۴/۵۵	۴/۵۵
۱۳۵۱	۳۵/۱۹	۵/۷۳	۱/۳۰	۲/۰۳	۱/۱۴	۱/۵۳	۳/۰۱	۲/۷۸	۱۳/۲۸	۴/۵۷	۴/۵۷	۴/۵۷	۴/۵۷	۴/۵۷	۴/۵۷	۴/۵۷	۴/۵۷	۴/۵۷	۴/۵۷
۱۳۵۲	۳۵/۱۹	۹/۳۰	۵/۶۶	۲/۶۶	۰/۶۱	۳/۳۴	۳/۱۱	۲/۸۸	۱۳/۲۸	۱/۱۳	۱/۱۳	۱/۱۳	۱/۱۳	۱/۱۳	۱/۱۳	۱/۱۳	۱/۱۳	۱/۱۳	۱/۱۳
۱۳۵۳	۸۵/۳۴	۱۸/۷۸	۱/۶۶	۴/۸۴	۴/۸۴	۴/۱۳	۷/۸۷	۵/۷۳	۴۶/۲۴	۴/۲۴	۴/۲۴	۴/۲۴	۴/۲۴	۴/۲۴	۴/۲۴	۴/۲۴	۴/۲۴	۴/۲۴	۴/۲۴
۱۳۵۴	۱۰۴/۴۲	۲۶/۲۵	۴/۰۰	۴/۰۰	۱/۸۱	۱/۷۹	۱۱/۵۳	۳/۹۶	۵۱/۸۰	۵/۲۵	۵/۲۵	۵/۲۵	۵/۲۵	۵/۲۵	۵/۲۵	۵/۲۵	۵/۲۵	۵/۲۵	۵/۲۵
۱۳۵۵	۱۳۳/۵۳	۲۵/۵۰	۶/۰۷	۲/۲۱	۱/۷۹	۴/۲۳	۱۳/۲۴	۲/۹۷	۶۶/۶۸	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳
۱۳۵۶	۱۳۶/۲۶	۳۱/۰۲	۱/۳۷	۱۰/۳۲	۲/۳۱	۵/۳۳	۱۲/۲۴	۱۵/۷۸	۳۹/۳۷	۴/۲۷	۴/۲۷	۴/۲۷	۴/۲۷	۴/۲۷	۴/۲۷	۴/۲۷	۴/۲۷	۴/۲۷	۴/۲۷
۱۳۵۷	۱۳۶/۲۶	۴۲/۰۹	۲/۲۷	۱۲/۳۲	۲/۵۳	۴/۵۳	۱۸/۲۶	۲/۷۸	۵۳/۱۰	۱/۱۳	۱/۱۳	۱/۱۳	۱/۱۳	۱/۱۳	۱/۱۳	۱/۱۳	۱/۱۳	۱/۱۳	۱/۱۳
۱۳۵۸	۱۶۶/۰۷	۱۶۶/۰۷	۴/۲۴	۲۶/۳۳	۲/۰۴	۳/۸۴	۱۱/۲۶	۴/۱۸	۵۳/۶۸	۴/۱۳	۴/۱۳	۴/۱۳	۴/۱۳	۴/۱۳	۴/۱۳	۴/۱۳	۴/۱۳	۴/۱۳	۴/۱۳
۱۳۶۰	۱۳۰/۰۰	۵۵/۱۰	۰/۷۵	۱۱/۶۹	۱/۸۹	۲/۸۵	۱۸/۳۵	۵/۲۴	۶۳/۶۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳
۱۳۶۱	۱۷۵/۶۷	۳۰/۱۳	۱/۴۵	۳۵/۰۶	۲/۸۲	۴/۵۱	۷/۸۴	۵/۰۰	۴۲/۶۴	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳
۱۳۶۲	۱۳۰/۸۰	۱۸/۱۵	۱/۰۱	۳۷/۰۰	۱/۸۱	۲/۵۶	۱۷/۰۰	۳/۸۲	۲۹/۶۱	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳
۱۳۶۳	۱۱۳/۳۹	۱۳/۵۹	۱/۲۷	۱۸/۴۴	۲/۲۱	۴/۱۰	۲۵/۰۶	۷/۳۵	۱۸/۷۷	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳
۱۳۶۴	۱۳۳/۳۳	۱۳۳/۳۳	۱/۵۶	۱۹/۱۱	۲/۳۲	۴/۱۷	۳۵/۰۰	۷/۱۳	۳۶/۵۶	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳
۱۳۶۵	۱۳۶/۸۳	۵۳/۲۲	۳/۳۵	۲۳/۸۳	۲/۵۰	۸/۶۴	۳۰/۵۵	۸/۵۷	۲۷/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳
۱۳۶۶	۱۳۶/۵۱	۶۸/۵۱	۵/۶۲	۳۵/۱۷	۲/۳۵	۱۲/۲۵	۶۰/۰۰	۱۳/۱۱	۱۳/۲۷	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳
۱۳۶۹	۲۸۴/۷۹	۱۶۷/۵۳	۱۵/۴۳	۱۵۳/۱۲	۸/۳۳	۱۸/۳۱	۵۵/۳۳	۳۰/۶۷	۴۹/۳۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳
۱۳۷۰	۸۵/۳۳	۱۱۱/۸۳	۱۱/۳۵	۲۰۱/۴۶	۸/۳۳	۱۸/۳۱	۵۵/۳۳	۳۰/۶۷	۴۹/۳۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳
۱۳۷۱	۱۳۷/۱۳	۳۵۲/۱۱	۲۹/۰۴	۲۷۱/۲۹	۱۷/۳۹	۳۶/۴۹	۱۳۴/۴۹	۳۸/۹۸	۸۸/۳۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳
۱۳۷۲	۳۳۴/۳۶	۵۱۸/۳۳	۸۱/۲۴	۵۳۰/۸۸	۵۳/۸۸	۶۴/۱۷	۲۱۱/۳۸	۴۵/۳۳	۱۲۴/۳۸	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳
۱۳۷۳	۳۳۳/۱۱	۲۷۷۷/۱۱	۹۱/۷۷	۵۶۶/۵۱	۴۷/۶۶	۸۷/۶۶	۳۳۶/۵۱	۷۱۷/۶۹	۱۲۲/۵۱	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳
۱۳۷۴	۳۷۳/۴۶	۲۷۳/۴۶	۱۸۸/۴۶	۸۵۶/۴۸	۵۱/۰۳	۱۵۵/۷۱	۵۱۸/۴۶	۷۱۷/۶۹	۱۲۲/۵۱	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳
۱۳۷۵	۵۳۰/۲۱	۱۰۵۲/۱۶	۳۲۰/۶۹	۱۰۵۲/۱۶	۲۲/۰۸	۳۷/۰۸	۵۳۰/۲۱	۱۰۵۲/۱۶	۳۲۰/۶۹	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳
۱۳۷۶	۵۳۰/۲۱	۱۰۵۲/۱۶	۳۲۰/۶۹	۱۰۵۲/۱۶	۲۲/۰۸	۳۷/۰۸	۵۳۰/۲۱	۱۰۵۲/۱۶	۳۲۰/۶۹	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳
۱۳۷۷	۶۹۹/۲۸	۱۱۱/۶۴	۱۱۱/۶۴	۶۵۳/۳۰	۵۹/۴۰	۲۶/۵۳	۶۹۹/۲۸	۱۱۱/۶۴	۶۵۳/۳۰	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳	۴/۲۳

(به میلیارد ریال)

سال	امور اقتصادی	کشورزی	مناطق مساحات آب	برق	صنایع	بافت	کار	مکان بازرگانی	ترابری	مخابرات	پست و مخابرات	جهانگردی	سایر	کل
	طبیعی	و مناطق مساحات آب	طبیعی	برق	صنایع	بافت	کار	مکان بازرگانی	ترابری	مخابرات	پست و مخابرات	جهانگردی	سایر	کل
۱۳۵۰	۸۵/۴۸	۹/۱۹	۱۲/۵۱	۹/۳۸	۱۳/۹۹	۳/۳۹	۳/۸۵	۵/۹۵	۵/۱۴	۱۳/۵۰	۱۳/۹۵	۱/۰۳	۰/۰۳	۱۱۴/۰۰
۱۳۵۱	۸۱/۶۱	۱۲/۵۱	۱۲/۲۷	۸/۸۸	۱۳/۰۳	۹/۳۳	۲/۸۶	۵/۷۳	۵/۱۴	۱۴/۳۳	۱۴/۵۳	۰/۷۵	۰/۰۳	۱۳۱/۸۰
۱۳۵۲	۹۲/۳۶	۱۲/۸۲	۱۱/۹۵	۸/۲۰	۱۸/۷۶	۹/۳۳	۳/۱۸	۶/۵۰	۶/۵۰	۱۷/۹۸	۱۷/۵۳	۰/۲۹	۰/۰۰	۱۶۱/۲۲
۱۳۵۳	۱۱۴/۱۳	۳۰/۹۲	۲۵/۳۶	۱۲/۰۳	۲۳/۸۰	۸/۳۳	۲/۵۰	۱۵/۳۰	۵/۰۰	۱۳/۳۵	۱۳/۳۳	۱/۳۶	۰/۰۰	۳۳۸/۰۰
۱۳۵۴	۱۳۴/۱۳	۳۶/۰۸	۳۶/۰۸	۳۶/۰۸	۳۶/۰۸	۳۶/۰۳	۱۳/۰۳	۱۵/۳۰	۵/۱۵	۶۰/۳۶	۱۵/۱۵	۲/۵۳	۵/۳۱	۵۳۶/۸۰
۱۳۵۵	۳۴۹/۱۳	۳۶/۳۵	۳۶/۳۵	۱۰۴/۰۶	۷۰/۱۲	۳۸/۹۳	۱۳/۱۶	۱۱/۸۳	۵/۰۰	۱۰۳/۳۶	۲۲/۱۵	۲/۵۰	۰/۵۰	۵۸۱/۶۰
۱۳۵۶	۶۳۳/۳۶	۴۲/۰۰	۴۲/۰۰	۱۸۵/۷۰	۱۱۶/۶۰	۱۱۲/۹۰	۲۲/۳۹	۲۰/۸۷	۵/۰۰	۱۵۳/۱۷	۱۲/۸۳	۱/۳۸	۳/۰۳	۶۵۷/۱۰
۱۳۵۷	۵۶۱/۰۳	۵۵/۱۶	۵۵/۱۶	۸۳/۳۶	۷۱/۹۳	۷۱/۹۳	۱۱/۶۷	۲۰/۸۷	۵/۰۰	۱۵۳/۱۷	۱۲/۸۳	۱/۳۸	۳/۰۳	۶۵۷/۱۰
۱۳۵۸	۳۸۸/۸۹	۳۶/۶۶	۳۶/۶۶	۶۶/۶۶	۷۷/۲۰	۵/۰۰	۲/۶۵	۱۱/۵۱	۵/۰۰	۸۳/۳۳	۱۱/۶۸	۱/۰۰	۵۳/۵۶	۵۶۸/۱۰
۱۳۵۹	۳۷۸/۵۳	۳۵/۳۶	۳۵/۳۶	۷۵/۸۰	۷۷/۲۰	۵/۰۰	۲/۶۵	۱۱/۵۱	۵/۰۰	۸۳/۳۳	۱۱/۶۸	۱/۰۰	۵۳/۵۶	۵۶۸/۱۰
۱۳۶۰	۳۷۸/۵۳	۳۵/۳۶	۳۵/۳۶	۷۵/۸۰	۷۷/۲۰	۵/۰۰	۲/۶۵	۱۱/۵۱	۵/۰۰	۸۳/۳۳	۱۱/۶۸	۱/۰۰	۵۳/۵۶	۵۶۸/۱۰
۱۳۶۱	۳۷۸/۵۳	۳۵/۳۶	۳۵/۳۶	۷۵/۸۰	۷۷/۲۰	۵/۰۰	۲/۶۵	۱۱/۵۱	۵/۰۰	۸۳/۳۳	۱۱/۶۸	۱/۰۰	۵۳/۵۶	۵۶۸/۱۰
۱۳۶۲	۳۷۸/۵۳	۳۵/۳۶	۳۵/۳۶	۷۵/۸۰	۷۷/۲۰	۵/۰۰	۲/۶۵	۱۱/۵۱	۵/۰۰	۸۳/۳۳	۱۱/۶۸	۱/۰۰	۵۳/۵۶	۵۶۸/۱۰
۱۳۶۳	۳۷۸/۵۳	۳۵/۳۶	۳۵/۳۶	۷۵/۸۰	۷۷/۲۰	۵/۰۰	۲/۶۵	۱۱/۵۱	۵/۰۰	۸۳/۳۳	۱۱/۶۸	۱/۰۰	۵۳/۵۶	۵۶۸/۱۰
۱۳۶۴	۳۷۸/۵۳	۳۵/۳۶	۳۵/۳۶	۷۵/۸۰	۷۷/۲۰	۵/۰۰	۲/۶۵	۱۱/۵۱	۵/۰۰	۸۳/۳۳	۱۱/۶۸	۱/۰۰	۵۳/۵۶	۵۶۸/۱۰
۱۳۶۵	۳۷۸/۵۳	۳۵/۳۶	۳۵/۳۶	۷۵/۸۰	۷۷/۲۰	۵/۰۰	۲/۶۵	۱۱/۵۱	۵/۰۰	۸۳/۳۳	۱۱/۶۸	۱/۰۰	۵۳/۵۶	۵۶۸/۱۰
۱۳۶۶	۳۷۸/۵۳	۳۵/۳۶	۳۵/۳۶	۷۵/۸۰	۷۷/۲۰	۵/۰۰	۲/۶۵	۱۱/۵۱	۵/۰۰	۸۳/۳۳	۱۱/۶۸	۱/۰۰	۵۳/۵۶	۵۶۸/۱۰
۱۳۶۷	۳۷۸/۵۳	۳۵/۳۶	۳۵/۳۶	۷۵/۸۰	۷۷/۲۰	۵/۰۰	۲/۶۵	۱۱/۵۱	۵/۰۰	۸۳/۳۳	۱۱/۶۸	۱/۰۰	۵۳/۵۶	۵۶۸/۱۰
۱۳۶۸	۳۷۸/۵۳	۳۵/۳۶	۳۵/۳۶	۷۵/۸۰	۷۷/۲۰	۵/۰۰	۲/۶۵	۱۱/۵۱	۵/۰۰	۸۳/۳۳	۱۱/۶۸	۱/۰۰	۵۳/۵۶	۵۶۸/۱۰
۱۳۶۹	۳۷۸/۵۳	۳۵/۳۶	۳۵/۳۶	۷۵/۸۰	۷۷/۲۰	۵/۰۰	۲/۶۵	۱۱/۵۱	۵/۰۰	۸۳/۳۳	۱۱/۶۸	۱/۰۰	۵۳/۵۶	۵۶۸/۱۰
۱۳۷۰	۳۷۸/۵۳	۳۵/۳۶	۳۵/۳۶	۷۵/۸۰	۷۷/۲۰	۵/۰۰	۲/۶۵	۱۱/۵۱	۵/۰۰	۸۳/۳۳	۱۱/۶۸	۱/۰۰	۵۳/۵۶	۵۶۸/۱۰
۱۳۷۱	۳۷۸/۵۳	۳۵/۳۶	۳۵/۳۶	۷۵/۸۰	۷۷/۲۰	۵/۰۰	۲/۶۵	۱۱/۵۱	۵/۰۰	۸۳/۳۳	۱۱/۶۸	۱/۰۰	۵۳/۵۶	۵۶۸/۱۰
۱۳۷۲	۳۷۸/۵۳	۳۵/۳۶	۳۵/۳۶	۷۵/۸۰	۷۷/۲۰	۵/۰۰	۲/۶۵	۱۱/۵۱	۵/۰۰	۸۳/۳۳	۱۱/۶۸	۱/۰۰	۵۳/۵۶	۵۶۸/۱۰
۱۳۷۳	۳۷۸/۵۳	۳۵/۳۶	۳۵/۳۶	۷۵/۸۰	۷۷/۲۰	۵/۰۰	۲/۶۵	۱۱/۵۱	۵/۰۰	۸۳/۳۳	۱۱/۶۸	۱/۰۰	۵۳/۵۶	۵۶۸/۱۰
۱۳۷۴	۳۷۸/۵۳	۳۵/۳۶	۳۵/۳۶	۷۵/۸۰	۷۷/۲۰	۵/۰۰	۲/۶۵	۱۱/۵۱	۵/۰۰	۸۳/۳۳	۱۱/۶۸	۱/۰۰	۵۳/۵۶	۵۶۸/۱۰
۱۳۷۵	۳۷۸/۵۳	۳۵/۳۶	۳۵/۳۶	۷۵/۸۰	۷۷/۲۰	۵/۰۰	۲/۶۵	۱۱/۵۱	۵/۰۰	۸۳/۳۳	۱۱/۶۸	۱/۰۰	۵۳/۵۶	۵۶۸/۱۰
۱۳۷۶	۳۷۸/۵۳	۳۵/۳۶	۳۵/۳۶	۷۵/۸۰	۷۷/۲۰	۵/۰۰	۲/۶۵	۱۱/۵۱	۵/۰۰	۸۳/۳۳	۱۱/۶۸	۱/۰۰	۵۳/۵۶	۵۶۸/۱۰
۱۳۷۷	۳۷۸/۵۳	۳۵/۳۶	۳۵/۳۶	۷۵/۸۰	۷۷/۲۰	۵/۰۰	۲/۶۵	۱۱/۵۱	۵/۰۰	۸۳/۳۳	۱۱/۶۸	۱/۰۰	۵۳/۵۶	۵۶۸/۱۰

منابع: گزارشات هیئت مدیره

۲. آینده نگری

برای اینکه بتوان الگوی فوق را در محاسبات مربوط به پیش‌بینی متغیرهای مختلف آن در آینده به کار برد، قبلاً لازم است قدرت پیش‌بینی الگو مورد آزمون قرار گیرد. برای انجام این کار، روشهای متعددی وجود دارد. اما با توجه به اینکه این الگو، در نهایت، باید در الگوی کلان اقتصادی کشور ادغام گردد و در چارچوب آن الگو قدرت پیش‌بینی آن آزمون شود، در این بررسی، صرفاً مقایسه‌ای بین پیش‌بینی متغیرهای الگو در سال ۱۳۷۶ و ارقام عملکرد واقعی سال مزبور انجام گرفته که نتایج این مقایسه را در جدول ۴ نشان داده‌ایم.

جدول ۴. ارزشیابی پیش‌بینی الگو در سال ۱۳۷۶

(میلیارد ریال)

درصد انحراف	پیش‌بینی الگو	عملکرد واقعی	
۰/۳	۶۵۲۵۹/۳	۶۵۰۷۳/۵	درآمدها
-۰/۹	۱۷۱۸۶/۹	۱۷۳۴۴/۶	درآمدهای مالیاتی
-	۳۶۴۴۶/۷	۳۶۴۴۶/۷	درآمد نفت *
۳/۰	۱۱۶۲۵/۷	۱۱۲۸۲/۲	سایر درآمدها
۲/۲	۶۷۱۴۸/۵	۶۵۷۲۶/۷	هزینه‌ها
۱/۰	۴۵۴۶۵/۶	۴۴۹۹۷/۱	هزینه‌های جاری
۴/۶	۲۱۶۸۲/۹	۲۰۷۲۹/۶	هزینه‌های عمرانی

* درآمد نفت به صورت بردنزا در الگو منظور شده است.

به طوری که می‌بینید، موارد درصد انحراف ارقام پیش‌بینی با ارقام واقعی قابل ملاحظه نیست. توضیح این نکته ضروری است که به دلیل عدم دسترسی به ارقام عملکرد هزینه‌های جاری و عمرانی به تفکیک فصول مقایسه ارقام پیش‌بینی با عملکرد در این سطح مقدور نگردیده است.

پیش‌بینی متغیرهای الگو در سالهای پس از سال ۱۳۷۶، در دو مرحله انجام گرفته است. در مرحله اول، در گزینه‌ای تحت عنوان گزینه پایه، با استفاده از معادله‌های برآورد شده و فرضیاتی در خصوص متغیرهای برونزای الگو، براساس ادامه روندهای موجود، متغیرهای اساسی الگو تا سال هدف (۱۳۸۵) پیش‌بینی گردیده است. در مرحله دوم، نتایج اعمال سیاستهای مختلف هزینه‌ای و درآمدی در روند آینده متغیرهای مزبور، به تفصیل، بررسی و تحلیل می‌شود. در اینجا، ابتدا به فروض مربوط به متغیرهای برونزای الگو اشاره می‌کنیم و سپس نتایج دو مرحله فوق در مورد درآمدها و هزینه‌های جاری و عمرانی بودجه دولت را به طور جداگانه بررسی می‌نماییم. در پایان، ضمن تلفیق نتایج مزبور، نتیجه‌گیری کلی می‌نماییم و سیاستهای مناسب در هر مورد را پیشنهاد می‌دهیم.

۱-۲. فروض مربوط به متغیرهای برونزای الگو

- ۱) رشد متوسط سالانه محصول ناخالص داخلی، به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۱، طی دوره ۱۳۷۷-۱۳۸۵، معادل ۴ درصد فرض کرده‌ایم.
- ۲) ارزش افزوده بخشهای اقتصادی مورد استفاده در الگو و همچنین سرمایه‌گذاری در بخشهای اقتصادی براساس رشد فرض شده در مورد محصول ناخالص داخلی، از طریق برقراری روابط مورد نیاز در این زمینه، برآورد کرده‌ایم.
- ۳) فرض کرده‌ایم که نرخ تورم (رشد شاخص هزینه زندگی) از $17/3$ درصد در سال ۱۳۷۶، به تدریج، به ۱۰ درصد در سال ۱۳۸۵ کاهش می‌یابد.
- ۴) ثبات قیمت صادراتی نفت خام همراه با فرض رشد متوسط سالانه ۵ درصد صادرات نفت (از طریق افزایش تولید یا صرفه جویی در مصرف داخلی).

۲-۲. نتایج پیش‌بینی الگوی درآمدها

براساس فروض فوق، پیش‌بینی می‌شود که درآمدهای بودجه عمومی دولت در سال ۱۳۸۵ مجموعاً به $166248/4$ میلیارد ریال برسد که نسبت به رقم مشابه سال ۱۳۷۵، از رشد متوسط

سالانه معادل ۱۱/۲ درصد برخوردار است. در اهمیت نسبی اقلام درآمدی دولت، یعنی درآمدهای مالیاتی، درآمد نفت و سایر درآمدها، طی این دوره، تغییر چشمگیری انجام گرفته است، به طوری که سهم درآمد نفت، از ۶۶/۵ درصد در سال ۱۳۷۵، به ۳۱/۳ درصد در سال ۱۳۸۵ کاهش یافته، و در مقابل، سهم درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدها، طی دوره مزبور، به ترتیب، از ۲۱/۹ و ۱۱/۶ درصد، به ۳۸/۵ و ۳۰/۱ درصد افزایش یافته است.

جدول ۵. درآمدهای عمومی دولت طی دوره ۱۳۷۵-۱۳۸۵ (گزینه پایه)

سهم (درصد)			میلیارد ریال			
۱۳۸۵	۱۳۷۸	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۷۸	۱۳۷۵	
۳۸/۵	۲۸/۷	۲۱/۹	۶۴۰۳۲/۳	۲۴۴۷۵/۰	۱۲۵۶۰/۲	درآمدهای مالیاتی
۳۱/۴	۴۶/۸	۶۶/۵	۵۲۱۲۱/۲	۳۹۹۳۴/۸	۳۸۱۵۳/۰	درآمد نفت
۳۰/۱	۲۴/۵	۱۱/۶	۵۰۰۹۴/۹	۲۱۰۰۰/۵	۶۶۲۹/۷	سایر درآمدها
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۶۶۲۴۸/۴	۸۵۴۱۰/۳	۵۷۳۴۲/۹	جمع

در اینجا، پیش‌بینی اقلام درآمدهای عمومی دولت را به تفکیک، بررسی و تحلیل می‌نمایم.

۲-۱- درآمدهای مالیاتی

براساس فروض گزینه پایه و معادله‌های برآورد شده در بخش قبل، پیش‌بینی می‌شود که درآمدهای مالیاتی در سال ۱۳۸۵ به ۶۴۰۳۲/۳ میلیارد ریال بالغ برسد که نسبت به رقم مشابه سال ۱۳۷۵، از رشد متوسط سالانه‌ای معادل ۱۷/۷ درصد برخوردار است. به‌رغم این رشد چشمگیر، نسبت درآمدهای مالیاتی به محصول ناخالص داخلی، از ۶/۱ درصد در سال ۱۳۷۶ (عملکرد قطعی)، به ۵/۷ درصد در سال ۱۳۸۵ کاهش یافته است.

نکته شایان توجه در خصوص درآمدهای مالیاتی، افزایش سهم مالیاتی مستقیم در کل درآمدهای مالیاتی طی این دوره است. این سهم که در سال ۱۳۷۵ معادل ۷۱/۴ درصد بوده، در

سال ۱۳۸۵، به ۸۱/۴ درصد افزایش می‌یابد. این افزایش، به احتمال، نقش مؤثری در بهبود وضعیت موجود توزیع درآمد خواهد داشت.

جدول ۶. درآمدهای مالیاتی ۱۳۷۵-۱۳۸۵ (گزینه پایه)

سهام (درصد)			میلیارد ریال			
۱۳۸۵	۱۳۷۸	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۷۸	۱۳۷۵	
۸۱/۵	۶۵/۴	۷۱/۴	۵۲۱۵۷/۱	۱۶۰۰۳/۴	۸۹۷۰/۵	مالیاتهای مستقیم
۳۵/۴	۳۶/۵	۴۲/۸	۲۲۶۵۶/۰	۸۹۴۰/۸	۵۳۷۸/۳	مالیات بر شرکتها
۴۱/۴	۲۴/۶	۲۳/۸	۲۶۵۰۸/۲	۶۰۱۳/۵	۲۹۹۳/۷	مالیات بر درآمد
۱۱/۰	۱۰/۴	۱۲/۶	۷۰۱۴/۸	۲۵۵۳/۰	۱۵۸۶/۰	حقوق
۲۷/۸	۱۲/۵	۹/۶	۱۷۷۹۵/۸	۳۰۶۲/۳	۱۲۰۳/۸	مشاغل
۲/۷	۱/۶	۱/۶	۱۶۹۷/۶	۳۹۸/۲	۲۰۳/۸	مستغلات
۴/۷	۴/۳	۴/۸	۲۹۹۲/۹	۱۰۴۹/۱	۵۹۸/۶	مالیات بر ثروت
۱۸/۵	۳۴/۶	۲۸/۶	۱۱۸۷۵/۲	۸۴۷۱/۶	۳۵۸۹/۷	مالیاتهای غیرمستقیم
۱۲/۵	۲۴/۹	۲۳/۴	۸۰۱۸/۹	۶۰۸۶/۱	۲۹۳۴/۴	مالیات بر واردات
۶/۰	۹/۷	۵/۲	۳۸۵۶/۳	۲۳۸۵/۵	۶۵۵/۳	مالیات بر مصرف و فروش
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۶۴۰۳۲/۳	۲۴۴۷۵/۰	۱۲۵۶۰/۲	جمع

همان طور که پیشتر گفتیم، پیش‌بینی‌هایی که در جدول ۶ آمده، بر مبنای فروض گزینه پایه درآمدی است. برای اینکه حساسیت الگوی درآمدهای مالیاتی نسبت به اعمال سیاستهای مختلف را برآورد کنیم، حالت‌های دیگری را نیز می‌توان در نظر گرفت.

بر مبنای فروض گزینه پایه، نسبت درآمدهای مالیاتی به محصول ناخالص داخلی، از ۶/۴ درصد در سال ۱۳۷۷، به ۵/۷ درصد در سال ۱۳۸۵ کاهش خواهد یافت. یکی از دلایل مهم پایین بودن نسبت مالیاتی در ایران، در مقایسه با کشورهای دیگر، وجود معافیت‌های گوناگون است. همین نکته، باعث شده که به‌رغم کوشش فراوان دستگاه مسئول گردآوری درآمدهای مالیاتی،

توفیقی در افزایش نسبت مزبور حاصل نگردد. با توجه به تأکید زیادی که در مورد حذف معافیت‌های مالیاتی در قوانین برنامه‌های اول و دوم توسعه شده است، اگر فرض شود که این معافیتها به طور تدریجی کاهش می‌یابد، و از سوی دیگر، قوانین پیشرفته مالیاتی، مانند مالیات بر ارزش افزوده، تدوین و اجرا شود، به طوری که نسبت درآمدهای مالیاتی به محصول ناخالص داخلی، به طور مطلق، به میزان حدود ۲ درصد افزایش یابد و به ۸/۴ درصد در سال ۱۳۸۵ برسد، در این صورت، درآمدهای مالیاتی در سال ۱۳۸۵، به ۹۴۶۳۷/۳ میلیارد ریال خواهد رسید، که نسبت به رقم مشابه گزینه پایه ۲۰۶۰۵ میلیارد ریال بیشتر می‌باشد. رشد متوسط سالانه درآمدهای مالیاتی در این گزینه، معادل ۲۲/۴ درصد خواهد بود.

جدول ۷. پیش‌بینی درآمدهای مالیاتی ۱۳۷۵-۱۳۸۵ (گزینه پیشنهادی)

گزینه پیشنهادی		گزینه پایه		
نسبت به GDP (درصد)	میلیارد ریال	نسبت به GDP (درصد)	میلیارد ریال	
۵/۱۵	۱۲۵۶۰/۲	۵/۱۵	۱۲۵۶۰/۲	۱۳۷۵
۶/۰۹	۱۷۱۸۶/۹	۶/۰۹	۱۷۱۸۶/۹	۱۳۷۶
۶/۴۱	۲۱۲۳۸/۱	۶/۴۱	۲۱۲۳۸/۱	۱۳۷۷
۶/۶۳	۲۶۲۰۹/۶	۶/۱۹	۲۴۴۷۵/۰	۱۳۷۸
۶/۸۶	۳۲۱۳۵/۸	۶/۰۰	۲۸۱۲۱/۴	۱۳۷۹
۷/۱۰	۳۹۱۱۳/۹	۵/۸۷	۲۳۳۱۲/۴	۱۳۸۰
۷/۳۴	۴۷۲۲۹/۳	۵/۷۷	۳۷۱۰۵/۵	۱۳۸۱
۷/۶۰	۵۶۷۷۵/۵	۵/۷۰	۴۲۶۰۳/۶	۱۳۸۲
۷/۸۶	۶۷۷۰۱/۶	۵/۶۷	۴۸۸۶۶/۵	۱۳۸۳
۸/۱۳	۸۰۲۵۱/۳	۵/۶۷	۵۵۹۷۲/۴	۱۳۸۴
۸/۴۱	۹۴۶۳۷/۳	۵/۶۹	۶۴۰۳۲/۳	۱۳۸۵

۲-۲-۲. درآمد نفت

در گزینه پایه، درآمد نفت، با فرض ثبات قیمت نفت خام صادراتی و رشد ۵ درصد صادرات نفت خام و فراورده‌های نفتی و همچنین ثبات درآمد حاصل از فروش ارز در سطح رقم مصوب سال ۱۳۷۷، پیش‌بینی شده است. بر این اساس، درآمد نفت در سال ۱۳۸۵ به $۵۲۱۲۱/۲$ میلیارد ریال خواهد رسید و سهم آن در کل درآمدهای دولت، از $۶۷/۲$ درصد در سال ۱۳۷۵، به $۳۱/۳$ درصد در سال ۱۳۸۵ کاهش می‌یابد. نکته‌ای که در این زمینه شایان توجه است، این است که در سالهای آغازین و میانی دوره پیش‌بینی، به دلیل عدم انعطاف کافی درآمدهای مالیاتی و حذف تدریجی معافیتها و همچنین رشد نا کافی درآمد نفت، عدم تعادل چشمگیری در بودجه عمومی دولت ایجاد خواهد شد. بدین روی، برای جبران این عدم تعادل در گزینه پیشنهادی درآمد نفت، فرض کرده‌ایم که این عدم تعادل، از طریق صرفه‌جویی بیشتر در مصرف فراورده‌های نفتی (از طریق سازوکار اصلاح قیمت فراورده‌های نفتی) یا افزایش مابه‌التفاوت فروش ارز جبران گردد. همان طور که در جدول ۸ می‌بینید، درآمد نفت در این گزینه، در سال پایانی، تفاوت چندانی با گزینه پایه ندارد و تفاوت عمده دو گزینه در سالهای میانی دوره است.

جدول ۸. پیش‌بینی درآمد نفت ۱۳۷۵-۱۳۸۵

گزینه پایه	گزینه پیشنهادی	
۳۸۱۵۳/۰	۳۸۱۵۳/۰	۱۳۷۵
۳۶۷۰۵/۰	۳۶۷۰۵/۰	۱۳۷۶
۳۸۵۳۶/۲	۳۸۵۳۶/۲	۱۳۷۷
۴۸۴۳۴/۸	۳۹۹۳۴/۸	۱۳۷۸
۵۰۹۳۱/۵	۴۱۴۳۱/۵	۱۳۷۹
۵۱۴۰۳/۱	۴۳۰۰۳/۱	۱۳۸۰
۵۳۶۵۳/۲	۴۴۶۵۳/۲	۱۳۸۱
۵۴۲۸۵/۹	۴۶۳۸۵/۹	۱۳۸۲
۵۴۳۰۵/۲	۴۸۲۰۵/۲	۱۳۸۳
۵۳۷۱۵/۴	۵۰۱۱۵/۴	۱۳۸۴
۵۲۵۲۱/۲	۵۲۱۲۱/۲	۱۳۸۵

۲-۲-۳. سایر درآمدها

سایر درآمدهای بودجه عمومی دولت، شامل چهار بخش: درآمدهای حاصل از انحصارات و مالکیت دولت، درآمدهای حاصل از خدمات و فروش کالا، اصل و بهره وامها و سود حاصل از سرمایه گذاری در خارج از کشور و درآمدهای متفرقه می‌گردد. بر مبنای فروض گزینته پایه، پیش‌بینی می‌کنیم که سایر درآمدها در سال ۱۳۸۵ به $۵۰۰۹۴/۳$ میلیارد ریال برسد که نسبت به رقم مشابه سال ۱۳۷۷، از رشد سالانه‌ای معادل $۱۴/۸$ درصد برخوردار است.

رشد متوسط سالانه سایر درآمدها، بر مبنای سال ۱۳۷۵، بالغ بر ۲۴ درصد است. تفاوت دو نرخ رشد فوق، به دلیل درآمد حاصل از عوارض موضوع تبصره ۱۹ قانون برنامه دوم است که در سالهای اخیر در این درآمدها منظور شده است.

در سالهای اخیر، در فرایند تهیه و تصویب بودجه‌های سالانه، به منظور برقراری تعادل و یا کاهش روند صعودی کسری بودجه، اقلام مختلفی در قالب سایر درآمدهای دولت برآورد گردیده که با توجه به اینکه اقدامات کافی طی سال برای وصول آنها صورت نگرفته است، در نتیجه، بودجه همواره با عدم تحقق چشمگیر سایر درآمدها مواجه بوده است. گزینته پایه، در واقع، ادامه روند وصولی این قبیل درآمدهاست، و در نتیجه، نسبت دوبخش عمده سایر درآمدها، یعنی درآمدهای حاصل از خدمات و فروش کالا و درآمدهای متفرقه، به محصول ناخالص داخلی، به ترتیب از $۱/۸$ و $۳/۳$ درصد در سال ۱۳۷۵، به $۱/۶$ و $۲/۸$ درصد در سال ۱۳۸۵ کاهش می‌یابد. با توجه به امکانات بالقوه این درآمدها، به ویژه در استانها، و با فرض بهبود کارایی دستگاههای وصول‌کننده آنها، در گزینته پیشنهادی فرض کرده‌ایم که نسبت درآمدهای وصول شده در دو بخش یادشده از سایر درآمدها به محصول ناخالص داخلی، در سال ۱۳۸۵، به ترتیب، به ۲ درصد و $۳/۵$ درصد افزایش یابد. نتیجه آن در جدول ۱۰ آمده است.

یکی از اقلام عمده درآمدهای متفرقه، عوارض موضوع تبصره ۱۹ قانون برنامه دوم است که در این بررسی فرض کرده‌ایم تا سال ۱۳۷۸ مطابق با هدفهای قانون مزبور و از سال ۱۳۷۹ به بعد در حدود ارقام سال ۱۳۷۸ حاصل شود. بدین ترتیب، در گزینته پیشنهادی سایر درآمدهای دولت در سال ۱۳۸۵ را در مجموع، معادل $۶۳۱۲۰/۱$ میلیارد ریال پیش‌بینی کرده‌ایم که نسبت به رقم سال ۱۳۷۷، از رشد متوسط سالانه $۱۸/۲$ درصد برخوردار است. رقم مزبور، نسبت به رقم مشابه گزینته پایه، معادل $۱۳۰۲۵/۲$ میلیارد ریال بیشتر است.

جدول ۹. پیش‌بینی سایر درآمدهای دولت (گزینه پایه) (میلیارد ریال)

جمع	متفرقه	اصل و بهره وامها و سود سرمایه گذاری	خدمات و فروش کالا	انحصارات و مالکیت دولت	
۵۷۴۰/۷	۳۰۸۵/۲	۱۲۳/۰	۲۳۳۲/۵	۲۰۰/۰	۱۳۷۵
۱۱۶۲۵/۷	۵۹۱۳/۹	۷۶۲/۷	۴۷۱۸/۱	۲۳۱/۰	۱۳۷۶
۱۶۵۹۰/۹	۹۳۷۱/۶	۳۶۱/۱	۶۰۳۲/۱	۸۲۶/۱	۱۳۷۷
۲۱۰۰۰/۵	۱۲۹۴۵/۹	۳۶۰/۰	۶۸۶۲/۳	۸۳۲/۳	۱۳۷۸
۲۳۷۱۳/۳	۱۴۶۷۷/۱	۳۶۰/۰	۷۸۳۹/۲	۸۳۶/۹	۱۳۷۹
۲۶۶۷۲/۲	۱۶۴۹۴/۵	۳۶۰/۰	۸۹۷۵/۸	۸۴۱/۹	۱۳۸۰
۳۰۱۳۵/۳	۱۸۶۳۷/۵	۳۶۰/۰	۱۰۲۹۰/۹	۸۴۷/۰	۱۳۸۱
۳۴۱۷۰/۵	۲۱۱۵۲/۲	۳۶۰/۰	۱۱۸۰۶/۱	۸۵۲/۲	۱۳۸۲
۳۸۷۹۷/۷	۲۴۰۵۵/۱	۳۶۰/۰	۱۳۵۲۵/۰	۸۵۷/۶	۱۳۸۳
۴۴۰۸۰/۲	۲۷۳۹۰/۱	۳۶۰/۰	۱۵۴۶۷/۰	۸۶۳/۲	۱۳۸۴
۵۰۰۹۴/۳	۳۱۲۰۰/۰	۳۶۰/۰	۱۷۶۵۶/۰	۸۶۸/۹	۱۳۸۵

جدول ۱۰. پیش‌بینی سایر درآمدهای دولت (گزینه پیشنهادی) (میلیارد ریال)

جمع	متفرقه	اصل و بهره وامها و سود	خدمات و فروش کالا	انحصارات و مالکیت دولت	
۵۷۴۰/۷	۳۰۸۵/۲	۱۲۳/۰	۲۳۳۲/۱	۲۰۰/۰	۱۳۷۵
۱۱۶۲۵/۷	۵۹۱۳/۹	۷۶۲/۷	۴۷۱۸/۱	۲۳۱/۰	۱۳۷۶
۱۶۵۹۰/۹	۹۳۷۱/۶	۳۶۱/۱	۶۰۳۲/۱	۸۲۶/۱	۱۳۷۷
۲۱۴۱۲/۱	۱۲۹۴۵/۹	۳۶۰/۰	۷۲۷۳/۸	۸۳۲/۳	۱۳۷۸
۲۵۳۹۷/۵	۱۵۴۸۷/۳	۳۶۰/۰	۸۷۱۳/۲	۸۳۶/۹	۱۳۷۹
۳۰۰۰۰/۷	۱۸۳۸۶/۸	۳۶۰/۰	۱۰۴۱۲/۰	۸۴۱/۹	۱۳۸۰
۳۵۱۷۷/۳	۲۱۶۸۰/۴	۳۶۰/۰	۱۲۲۸۹/۹	۸۴۷/۰	۱۳۸۱
۴۱۰۴۲/۱	۲۵۴۱۱/۹	۳۶۰/۰	۱۴۴۱۸/۰	۸۵۲/۲	۱۳۸۲
۴۷۵۹۳/۲	۲۹۵۷۹/۴	۳۶۰/۰	۱۶۷۹۶/۲	۸۵۷/۶	۱۳۸۳
۵۴۹۵۷/۹	۳۴۲۲۱/۸	۳۶۰/۰	۱۹۵۱۳/۰	۸۳۲/۲	۱۳۸۴
۶۳۱۲۰/۱	۳۹۳۸۵/۳	۳۶۰/۰	۲۲۵۰۵/۹	۸۶۸/۹	۱۳۸۵

۲-۳. نتایج پیش‌بینی الگوی هزینه‌ها

۲-۳-۱. هزینه‌های جاری

نتایج پیش‌بینی الگوی هزینه‌های جاری براساس فروض گزینه پایه در جدول ۱۱ آمده است. به موجب این نتایج:

- کل هزینه‌های جاری، با نرخ رشد متوسط سالانه معادل $14/7$ درصد، از $36688/6$ میلیارد ریال در سال 1375 ، به 144967 میلیارد ریال در سال 1385 خواهد رسید.

- هزینه‌های جاری گروه تأمین اجتماعی و بهداشتی، و آموزش عالی، به ترتیب، با $22/8$ و $21/5$ درصد، از بالاترین نرخ رشد متوسط سالانه طی دوره پیش‌بینی برخوردار است، در حالی که هزینه‌های مربوط به گروه‌های پرداخت‌های انتقالی و امور اقتصادی، به ترتیب، با 10 درصد و $12/4$ درصد، در بین گروه‌های هزینه‌های جاری پایین‌ترین نرخ رشد را طی دوره پیش‌بینی دارند.

جدول ۱۱. پیش‌بینی هزینه‌های جاری $1375-1385$ (گزینه پایه)

(میلیارد ریال)

رشد (درصد)	۱۳۸۵	۱۳۷۵	
$14/8$	$1969/8$	$494/2$	اطلاعات و ارتباطات جمعی
$15/2$	$12687/7$	$3088/1$	سایر امور عمومی
$16/7$	$21705/1$	$4616/1$	امور دفاعی
$12/6$	$23998/7$	$7314/8$	آموزش عمومی
$16/4$	$7777/6$	$1707/6$	بهداشت و درمان
$22/8$	$9481/9$	$1214/4$	تأمین اجتماعی و بهداشتی
$21/5$	$9109/5$	$1303/0$	آموزش عالی
$14/3$	$3745/2$	$987/7$	سایر امور اجتماعی
-	-	$1064/0$	نفت و گاز
$12/4$	$3196/0$	$997/3$	سایر امور اقتصادی
$10/1$	$26930/1$	$10427/9$	پرداخت‌های انتقالی
$17/6$	$24365/4$	$4816/7$	سایر هزینه‌های جاری
$14/7$	$144967/0$	$36688/6$	کل هزینه‌های جاری

- سهم هزینه‌های جاری مربوط به پرداخت‌های انتقالی، آموزش عمومی، سایر امور اجتماعی و سایر امور اقتصادی، به ترتیب، از ۲۸/۴، ۱۹/۹، ۲/۷ و ۲/۷ درصد در سال ۱۳۷۵، به ۱۸/۶، ۱۶/۶، ۲/۶ و ۲/۲ درصد کاهش یافته، و در مقابل، طی همین مدت، سهم هزینه‌های سایر امور عمومی از ۸/۴ به ۸/۸ درصد، امور دفاعی از ۱۲/۶ به ۱۵ درصد، بهداشت و درمان از ۴/۷ به ۵/۴ درصد، تامین اجتماعی از ۳/۳ به ۶/۵ درصد و سایر هزینه‌های جاری از ۱۳/۱ به ۱۶/۸ درصد افزایش خواهد یافت، ضمن اینکه سهم هزینه‌های جاری اطلاعات و ارتباطات جمعی در سطح سال ۱۳۷۵ (۱/۳ درصد) ثابت خواهد ماند.

در اینجا، پیش‌بینی‌های مربوط به هریک از گروه‌های هزینه‌های جاری و حساسیت آنها نسبت به اعمال سیاست‌های مختلف را بررسی می‌نماییم.

الف) اطلاعات و ارتباطات جمعی، سایر هزینه‌های امور عمومی و امور دفاعی

هزینه‌های اطلاعات و ارتباطات جمعی، عمدتاً مربوط به اعتبارات سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران و سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران می‌گردد. براساس قانون محاسبات عمومی، سازمان صدا و سیما شرکت دولتی محسوب شده است و اعتبارات جاری مربوط به آن تحت عنوان کمک در بودجه منظور می‌گردد. طبق روشی که در این بررسی مورد عمل قرار گرفته، قاعدتاً هزینه‌های مزبور باید در گروه پرداخت‌های انتقالی منظور می‌شد و سیاست‌های پیشنهادی برای آن گروه در مورد آن اعمال می‌گردید، ولی با توجه به اهمیت وظایف این سازمان و دو دستگاه دیگر، سیاست خاصی در زمینه کاهش یا صرفه جویی در هزینه‌های آنها نسبت به ارقام گزینه پایه پیشنهاد نشده است.

سایر هزینه‌های امور عمومی و امور دفاعی نیز مربوط به دستگاه‌هایی می‌شود که وظیفه اعمال حاکمیت دولت را بر عهده دارند. سهم هزینه‌های این دو گروه در کل هزینه‌های جاری، در سال ۱۳۷۵، معادل ۲۱ درصد بوده است که در سال ۱۳۸۵ به ۲۳/۸ درصد افزایش می‌یابد. بیشتر دستگاه‌های اجرایی این دو گروه با مشکلات مالی فراوانی روبه‌رو هستند و همواره بیش از سایر

دستگاهها تحت تاثیر بحرانهای مالی دولت قرار داشته‌اند. به همین دلیل، در آینده، اگر گشایش خاصی در وضع مالی دولت ایجاد شود، باید بیشترین توجه به این گونه دستگاهها مبذول گردد.

جدول ۱۲. پیش‌بینی هزینه جاری امور عمومی و دفاعی - گزینه پایه و پیشنهادی

(میلیارد ریال)

امور دفاعی	سایر امور عمومی	اطلاعات و ارتباطات جمعی	
۸۴۰۲/۱	۴۹۵۵/۱	۸۲۳/۲	۱۳۷۸
۹۹۲۷/۶	۵۷۴۳/۱	۹۵۶/۶	۱۳۷۹
۱۱۵۷۰/۷	۶۶۲۳/۷	۱۰۹۹/۹	۱۳۸۰
۱۳۳۳۶/۰	۷۶۹۵/۲	۱۲۵۳/۷	۱۳۸۱
۱۵۲۳۰/۹	۸۶۹۷/۶	۱۴۱۸/۱	۱۳۸۲
۱۷۲۵۱/۳	۹۹۰۲/۲	۱۵۹۲/۰	۱۳۸۳
۱۹۴۰۵/۶	۱۱۲۲۸/۴	۱۷۷۵/۸	۱۳۸۴
۲۱۷۰۵/۱	۱۲۶۸۷/۷	۱۹۶۹/۸	۱۳۸۵

ب) هزینه‌های آموزش عمومی

هزینه‌های آموزشی، با رشد متوسط سالانه ۲۷/۱ درصد، از ۱۸/۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۰، به ۷۳۱۴/۸ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۵ افزایش یافته است. سهم هزینه‌های آموزش عمومی در کل هزینه‌های جاری نیز طی این مدت، از ۷/۸ درصد، به ۱۹/۹ درصد رسیده است.

طی این دوره، تعداد دانش‌آموزان، از ۴/۳ میلیون نفر، به ۱۸/۷ میلیون نفر افزایش یافته است. بدین ترتیب، هزینه سرانه آموزشی در سال ۱۳۵۰ معادل ۴۲۰۰ ریال بوده که در سال ۱۳۷۵ به ۳۹۰۰۰۰ ریال رسیده و از نرخ رشد متوسط سالانه ۱۹/۹ درصد برخوردار بوده است. هزینه‌های سرانه آموزشی، به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۱ نیز در سال ۱۳۵۰ معادل ۱۷۳۰۰ ریال بوده است که

با نرخ رشد متوسط سالانه $1/7$ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۲۶۴۰۰ ریال رسیده است. در گزینه پایه، فرض بر ثبات تعداد دانش‌آموزان در سطح $19/5$ میلیون نفر طی دوره پیش‌بینی است. بر این مبنا، هزینه آموزشی سرانه در سال ۱۳۸۵، به $1/2$ میلیون ریال به قیمت‌های جاری و ۲۳۵۰۰ ریال به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۱ خواهد رسید. بدین ترتیب، به‌رغم رشد چشمگیر هزینه‌های سرانه آموزشی به قیمت‌های جاری، هزینه‌های مزبور به قیمت‌های ثابت حدود ۳۰۰۰ ریال نسبت به سال ۱۳۷۵ کاهش نشان می‌دهد.

اگر با تمهید سیاست‌هایی، امکان کاهش سطح پوشش دولتی خدمات آموزشی، از حدود ۱۰۰ درصد فعلی، به ۸۰ درصد در سال ۱۳۸۵ وجود داشته باشد، و به بیان دیگر، تعداد دانش‌آموزان زیر پوشش خدمات دولتی، در سال ۱۳۸۵ در سطح $15/6$ میلیون نفر محدود گردد (نسبت به $19/5$ میلیون نفر گزینه پایه)، در این صورت، هزینه‌های آموزشی در سال ۱۳۸۵، به ۱۷۱۲۶ میلیارد ریال محدود خواهد گردید که نسبت به گزینه پایه، ۶۸۷۳ میلیارد ریال کمتر می‌باشد.

جدول ۱۳. هزینه‌های آموزشی

(میلیارد ریال)

گزینه پیشنهادی	گزینه پایه	
۱۲۱۳۹/۱	۱۲۲۹۶/۴	۱۳۷۸
۱۳۶۰۰/۵	۱۴۱۷۲/۵	۱۳۷۹
۱۴۷۳۴/۰	۱۵۹۴۰/۳	۱۳۸۰
۱۵۵۸۱/۴	۱۷۶۱۸/۹	۱۳۸۱
۱۶۱۹۶/۷	۱۹۲۳۶/۵	۱۳۸۲
۱۶۶۳۰/۷	۲۰۸۲۱/۵	۱۳۸۳
۱۶۹۲۸/۶	۲۲۴۰۰/۷	۱۳۸۴
۱۷۱۲۶/۳	۲۳۹۹۸/۷	۱۳۸۵

ج) هزینه‌های بهداشتی، تأمین اجتماعی و بهزیستی

هزینه جاری بهداشت و درمان، در سال ۱۳۵۰، معادل $۶/۴$ میلیارد ریال بوده است که با رشد متوسط سالانه ۲۵ درصد، در سال ۱۳۷۵ به $۱۷۰۷/۶$ میلیارد ریال رسیده است. هزینه مزبور به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۱، از $۲۶/۳$ میلیارد ریال، به $۱۱۵/۵$ میلیارد ریال رسیده که حاکی از رشد متوسط سالانه $۶/۱$ درصد می‌باشد. یارانه دارو و شیر خشک، یکی از اقلام عمده این گروه است که در این بررسی از هزینه‌های آن کسر و به هزینه‌های مربوط به پرداخت‌های انتقالی منتقل شده است.

براساس فروض گزینه پایه، اعتبارات جاری گروه بهداشت و درمان در سال ۱۳۸۵ معادل $۷۷۷۷/۶$ میلیارد ریال پیش‌بینی می‌شود که نسبت به رقم سال ۱۳۷۵، از رشد متوسط $۱۶/۴$ درصد برخوردار است.

هزینه‌های مربوط به تأمین اجتماعی و بهزیستی، با رشد متوسط سالانه $۲۶/۶$ درصد، از $۳/۳۶$ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۰، به $۱۲۱۴/۴$ در سال ۱۳۷۵ افزایش یافته است. جزء اصلی هزینه‌های این گروه، مربوط به مستمریها و سایر هزینه‌های خانواده معظم شهدا و مددجویان زیر پوشش کمیته امداد امام و سازمان بهزیستی و سایر هزینه‌های رفاهی مشابه بوده که در این بررسی به هزینه‌های گروه پرداخت‌های انتقالی منتقل شده است. هزینه‌های این گروه، به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۱، در سال ۱۳۵۰، معادل $۱۳/۸$ میلیارد ریال بوده است که در سال ۱۳۵۰، به $۸۲/۲$ میلیارد ریال رسیده است.

براساس فروض گزینه پایه، هزینه‌های جاری گروه تأمین اجتماعی و بهزیستی در سال ۱۳۸۵ به $۹۴۸۱/۹$ میلیارد ریال می‌رسد که نسبت به رقم سال ۱۳۷۵، رشد متوسط سالانه $۲۲/۸$ درصد را نشان می‌دهد.

با توجه به اینکه اقلام عمده گروه‌های هزینه‌های جاری بهداشتی و تأمین اجتماعی و بهزیستی، به گروه هزینه‌های انتقالی منتقل شده است، در گزینه پیشنهادی مربوط به این دو گروه، سیاست خاصی مطرح نگردیده و ارقام گزینه پیشنهادی، مشابه گزینه پایه است.

جدول ۱۴. هزینه‌های بهداشت، تأمین اجتماعی و بهزیستی (گزینه پایه و پیشنهادی)

(میلیارد ریال)

تأمین اجتماعی و بهزیستی	بهداشت و درمان	
۲۱۹۱/۹	۲۸۶۲/۸	۱۳۷۸
۲۷۰۵/۹	۳۳۲۴/۱	۱۳۷۹
۳۳۴۵/۴	۳۸۵۰/۱	۱۳۸۰
۴۱۳۵/۱	۴۴۴۹/۶	۱۳۸۱
۵۱۰۴/۹	۵۱۳۲/۲	۱۳۸۲
۶۲۸۹/۹	۵۹۰۶/۳	۱۳۸۳
۷۷۳۲/۰	۶۷۸۳/۵	۱۳۸۴
۹۴۸۱/۹	۷۷۷۷/۶	۱۳۸۵

د) هزینه‌های جاری آموزش عالی

هزینه‌های جاری آموزش عالی، از ۴/۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۰، با رشد متوسط سالانه ۲۶/۸ درصد، در سال ۱۳۷۵ به ۱۳۰۳ میلیارد ریال رسیده است. هزینه‌های فوق به قیمت‌های ثابت نیز در سال ۱۳۷۵ به ۸۸/۱ میلیارد ریال رسیده که نسبت به سال ۱۳۵۰ (۱۸/۴ میلیارد ریال) از رشد متوسط سالانه ۶/۵ درصد برخوردار است.

طی همین دوره، تعداد دانشجویان دانشگاهها و مؤسسه‌های آموزش عالی کشور، از ۹۷/۳ هزار نفر، به ۵۳۳/۴ هزار نفر افزایش یافته است. بدین ترتیب، هزینه سرانه آموزش عالی که در سال ۱۳۵۰ به قیمت‌های جاری و ثابت به ترتیب، معادل ۴۶/۲ و ۱۸۹/۱ هزار ریال بوده، در سال ۱۳۷۵ به ۲۴۴۲/۸ و ۱۶۵/۲ هزار ریال رسیده است که به قیمت‌های جاری، رشد متوسط سالانه ۱۷/۲ درصد، و به قیمت‌های ثابت، کاهش سالانه ۰/۵ درصد را نشان می‌دهد.

در گزینه پایه، با فرض ادامه روند دوره ۱۳۷۳-۱۳۷۷ تعداد دانشجویان پیش‌بینی شده است که هزینه سرانه آموزش عالی در سال ۱۳۸۵ به ۸/۴ میلیون ریال برسد که نسبت به سال ۱۳۷۵، از رشد

متوسط سالانه ۱۳/۱ درصد برخوردار است.

یکی از سیاستهایی که در این مورد مطرح است، کاهش تدریجی بار مالی آموزش عالی تا سال ۱۳۸۵ می باشد. به بیان دیگر، در گزینه پیشنهادی فرض شده است تا سال ۱۳۸۵، معادل ۱۵ درصد از دانشجویان زیر پوشش دانشگاهها و مؤسسه های آموزش عالی بخش دولتی، به بخش غیر دولتی و نهادهای عمومی منتقل گردد. در نتیجه این سیاست، هزینه های جاری آموزش عالی در سال ۱۳۸۵، به ۷۵۵۴/۳ میلیارد ریال خواهد رسید که نسبت به رقم سال ۱۳۷۵، از رشد متوسط سالانه ۱۹/۲ درصد برخوردار است و نسبت به رقم مشابه گزینه پایه در سال هدف معادل ۱۵۵۵/۲ میلیارد ریال کمتر است.

جدول ۱۵. هزینه جاری آموزش عالی

(میلیارد ریال)

گزینه پیشنهادی	گزینه پایه	
۲۰۴۱/۰	۲۰۸۹/۴	۱۳۷۸
۲۴۷۴/۰	۲۵۹۲/۷	۱۳۷۹
۲۹۹۲/۹	۳۲۱۰/۴	۱۳۸۰
۳۶۱۳/۶	۳۹۶۸/۷	۱۳۸۱
۴۳۵۶/۴	۴۸۹۷/۳	۱۳۸۲
۵۲۴۱/۵	۶۰۳۲/۵	۱۳۸۳
۶۲۹۷/۲	۷۴۱۸/۸	۱۳۸۴
۷۵۵۴/۳	۹۱۰۹/۵	۱۳۸۵

ه) هزینه های جاری نفت و گاز

هزینه های جاری گروه نفت و گاز در سالهای اخیر، عمدتاً مربوط به هزینه واردات فرآورده های نفتی و گاز می گردد. فقط سهم ناچیزی از آن (حدود ۱۰۰ میلیون ریال) مربوط به هزینه جاری

وزارت نفت است. با توجه به سیاست دولت مبنی بر صرفه جویی در مصرف داخلی فراورده‌های نفتی و همچنین افزایش ظرفیت پالایشگاههای داخلی، در این بررسی (در هر دو گزینه پایه و پیشنهادی) فرض کرده‌ایم که هزینه واردات فراورده‌های نفتی به تدریج کاهش یابد و تا سال ۱۳۸۵ به صفر برسد.

جدول ۱۶. هزینه جاری نفت و گاز

(میلیارد ریال)

گاز	نفت	
۱۸۳/۸	۱۳۲۴/۷	۱۳۷۸
۱۵۷/۵	۱۱۳۵/۵	۱۳۷۹
۱۳۱/۳	۹۴۶/۲	۱۳۸۰
۱۰۵/۰	۷۵۷/۰	۱۳۸۱
۷۸/۸	۵۶۷/۸	۱۳۸۲
۵۲/۵	۳۷۸/۵	۱۳۸۳
۲۶/۳	۱۸۹/۳	۱۳۸۴
۰	۰	۱۳۸۵

(و) پرداختهای انتقالی

پیش‌بینی پرداختهای انتقالی طی دوره مورد بررسی، براساس معادله شماره (۴۲) و با فرض رشد متوسط ۱۰ درصد یارانه‌ها و سایر پرداختهای انتقالی جدید سال ۱۳۷۷ (مانند تبصره‌های ۴ و ۱۱) طی دوره مزبور انجام گرفته است. این پرداختها، شامل یارانه کالاهای اساسی، یارانه کودشیمیایی، یارانه دارو و شیرخشک، کمک به تغذیه دانش آموزان و دانشجویان، مابه‌التفاوت ارز چاپ کتب درسی، مابه‌التفاوت ارز مطبوعات، مستمریهای بنیاد شهید، کمیته امداد امام و سازمان بهزیستی، کمک زیان شرکتهای دولتی و سایر موارد مشابه می‌گردد.

پرداختهای انتقالی در سال ۱۳۵۰ معادل ۵/۱ میلیارد ریال بوده است که با نرخ رشد متوسط سالانه ۳۵/۷ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۱۰۴۲۷/۹ میلیارد ریال رسیده است. سهم پرداختهای انتقالی در کل هزینه‌های جاری در سال ۱۳۵۰ حدود ۲ درصد بوده که در سال ۱۳۷۵ به ۴۰ درصد افزایش یافته است.

در گزینه پایه، با فرض یادشده، پرداختهای انتقالی در سال ۱۳۸۵ معادل ۲۶۹۳۰ میلیارد ریال پیش‌بینی می‌شود که نسبت به رقم سال ۱۳۷۵ از رشد سالانه ۱۰ درصد برخوردار است. با توجه به اینکه قسمت اعظم این پرداختها جنبه رفاهی دارد و همچنین نظر به عدم کارایی لازم پرداخت یارانه کالاها و پرداخت آن به عموم افراد به جای افراد نیازمند، در گزینه پیشنهادی فرض شده است، پرداختهای مزبور، به تدریج، تا معادل ۲۵ درصد کاهش یافته و در مرحله بعد، تمام آن به فصل تأمین اجتماعی اضافه گردد تا به صورت پرداخت مستقیم به نیازمندان پرداخت گردد.

جدول ۱۷. پرداختهای انتقالی

(میلیارد ریال)

گزینه پیشنهادی	گزینه پایه	
۱۷۱۹۱/۷	۱۷۷۶۹/۲	۱۳۷۸
۱۷۸۲۸/۲	۱۸۸۱۶/۱	۱۳۷۹
۱۸۰۶۱/۶	۱۹۹۳۰/۰	۱۳۸۰
۱۸۴۸۳/۹	۲۱۱۲۴/۴	۱۳۸۱
۱۸۹۱۰/۵	۲۲۴۱۲/۵	۱۳۸۲
۱۹۳۴۰/۵	۲۳۸۰۳/۷	۱۳۸۳
۱۹۷۷۰/۷	۲۵۳۰۶/۴	۱۳۸۴
۲۰۱۹۷/۶	۲۶۹۳۰/۱	۱۳۸۵

ز) سایر هزینه‌های جاری

سایر هزینه‌های جاری، شامل سه گروه سایر هزینه‌های امور اجتماعی، سایر هزینه‌های امور اقتصادی و سایر هزینه‌های کل می‌گردد. سایر هزینه‌های امور اجتماعی، شامل هزینه‌های جاری فصلهای فرهنگ و هنر، تربیت بدنی، عمران شهرها، عمران و نوسازی روستاها، تأمین مسکن، حفاظت محیط زیست و عملیات چند منظوره توسعه نواحی می‌گردد. هزینه‌های مزبور در سال ۱۳۵۰ معادل ۱/۷ میلیارد ریال بوده که در سال ۱۳۷۵ به ۹۸۷/۷ میلیارد ریال رسیده است. رشد متوسط سالانه این هزینه‌ها، حدود ۲۹ درصد بوده و کمتر از ۳ درصد کل هزینه‌های جاری را به خود اختصاص داده است.

سایر هزینه‌های جاری اموراتصادی، در واقع، شامل کل هزینه‌های این امور، به استثنای هزینه‌های فصلهای نفت و گاز می‌گردد. این هزینه‌ها در سال ۱۳۵۰ معادل ۱۱/۱ میلیارد ریال بوده است که با رشد متوسط سالانه ۱۹/۷ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۹۹۷/۳ میلیارد ریال رسیده است. سهم هزینه‌های مزبور در کل هزینه‌های جاری نیز در سال ۱۳۵۰ معادل ۴/۷ درصد بوده که در سال ۱۳۷۵ به ۲/۷ درصد کاهش یافته است.

سایر کل هزینه‌های جاری، شامل اقلام مختلفی می‌گردد که به دلیل قابل طبقه‌بندی نبودن در فصلی خاص، در ردیفهای متفرقه آورده‌ایم. این هزینه‌ها در سال ۱۳۵۰ معادل ۵۴/۳ میلیارد ریال بوده است که در سال ۱۳۷۵ به ۴۸۱۶/۷ میلیارد ریال رسیده است که ضمن برخورداری از رشد متوسط سالانه ۱۹/۶ درصد، سهمی در حدود ۱۳ درصد از کل هزینه‌های جاری را به خود اختصاص داده است.

با توجه به ماهیت سه گروه هزینه‌ای فوق، گزینه پیشنهادی آنها مشابه گزینه پایه است. براساس این گزینه، هزینه‌های مزبور مجموعاً در سال ۱۳۸۵، حدود ۳۱۳۰۷ میلیارد ریال پیش‌بینی می‌شود که نسبت به رقم مشابه سال ۱۳۷۵، از رشد متوسط سالانه ۱۶ درصد برخوردار است.

جدول ۱۸. سایر هزینه‌های جاری

(میلیارد ریال)

سایر کل (متفرقه)	سایر امور اقتصادی	سایر امور اجتماعی	
۷۲۸۲/۰	۲۸۸۷/۹	۱۵۸۴/۳	۱۳۷۸
۹۱۴۵/۴	۲۸۶۶/۹	۱۷۸۶/۰	۱۳۷۹
۱۰۳۵۲/۰	۲۸۶۵/۴	۲۰۱۳/۶	۱۳۸۰
۱۳۸۳۳/۹	۲۸۸۴/۹	۲۲۷۴/۲	۱۳۸۱
۱۶۵۲۳/۹	۲۹۲۷/۳	۲۵۷۳/۲	۱۳۸۲
۱۹۲۴۵/۸	۲۹۹۲/۰	۲۹۱۴/۳	۱۳۸۳
۲۱۸۹۵/۵	۳۰۸۱/۰	۳۳۰۲/۷	۱۳۸۴
۲۴۳۶۵/۴	۳۱۹۶/۰	۳۷۴۵/۲	۱۳۸۵

۲-۳-۲. هزینه‌های عمرانی

براساس معادله‌های برآورد شده در قسمت اول این گزارش و فروض مربوط به متغیرهای برونزای الگو، پیش‌بینی می‌شود که هزینه‌های عمرانی، با نرخ رشد متوسط سالانه ۱۵ درصد، از ۲۰۰۷۳/۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۵، به ۸۱۳۹۴/۴ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۵ برسد.

جمع سرمایه‌گذاری دولت، طی دوره ۱۳۷۸-۱۳۸۵ (دوره پیش‌بینی) بالغ بر ۴۳۹۶۵۲ میلیارد ریال پیش‌بینی می‌گردد. از این مبلغ، ۷۱۳۷۱ میلیارد ریال مربوط به طرح‌های ملی در دست اجرای موجود و بقیه (۳۶۸۲۸۱ میلیارد ریال) مربوط به طرح‌های ملی و استانی جدیدی است که طی دوره تهیه و به اجرا در خواهد آمد.

جدول ۱۹. پیش‌بینی اعتبارات عمرانی (۱۳۷۸-۱۳۸۵)

(میلیارد ریال)

جمع سرمایه‌گذاری دولت طی دوره ۱۳۷۸-۱۳۸۵			۱۳۸۵	۱۳۷۸	۱۳۷۵	
کل	طرح‌های جدید	طرح‌های موجود				
۴۳۹۶۵۲/۰	۳۶۸۲۸۰/۸	۷۱۳۷۱/۲	۸۱۳۹۴/۴	۳۴۵۱۴/۱	۲۰۰۷۳/۶	کل اعتبارات عمرانی
۱۵۵۲۱/۴	۱۱۹۸۷/۴	۳۵۳۴/۰	۲۹۰۶/۸	۱۲۱۰/۱	۸۵۳/۰	امور عمومی
۸۹۶۸۰/۵	۷۷۴۴۵/۱	۱۲۲۳۵/۴	۱۷۰۱۵/۸	۶۶۷۱/۵	۵۸۷۰/۴	امور اجتماعی
۲۴۶۴۲۱/۱	۱۹۰۸۱۹/۳	۵۵۶۰۱/۸	۴۴۹۹۰/۸	۱۹۸۸۲/۵	۹۷۰۳/۹	امور اقتصادی
۸۸۰۲۹/۰	۸۸۰۲۹/۰	-	۱۶۴۸۱/۰	۶۷۵۰/۰	۳۶۴۶/۳	سایر

در زیر، نتایج پیش‌بینی هزینه‌های عمرانی به تفکیک امور و همچنین فصلها، مورد بررسی قرار می‌گیرد:

الف) امور عمومی

امور عمومی، شامل فصلهای آمار و خدمات عمومی فنی، اطلاعات و ارتباطات جمعی و ساختمانها و تأسیسات دولتی می‌گردد. اعتبارات عمرانی این امور در سال ۱۳۷۵ معادل ۹۶۷/۸ میلیارد ریال است که پیش‌بینی می‌شود با رشد متوسط سالانه ۱۱/۶ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۲۹۰۶/۸ میلیارد ریال برسد.

جمع سرمایه‌گذاری در امور عمومی نیز طی ۱۳۷۸-۱۳۸۵، به ۱۵۵۲۱/۴ میلیارد ریال خواهد رسید که ۳۵۳۴ میلیارد ریال آن در طرحهای موجود و ۱۱۹۸۷/۴ میلیارد ریال در طرحهای جدیدی که طی دوره آغاز می‌شود، سرمایه‌گذاری می‌شود. از رقم کل سرمایه‌گذاری امور عمومی، ۳۶۱۷/۸ میلیارد ریال در فصل آمار و خدمات عمومی فنی، ۴۸۷۱/۲ میلیارد ریال در فصل اطلاعات و ارتباطات جمعی و ۷۰۳۲/۴ میلیارد ریال در فصل ساختمانها در تأسیسات دولتی، سرمایه‌گذاری خواهد شد.

جدول ۲۰. پیش بینی اعتبارات عمرانی امور عمومی (۱۳۷۸-۱۳۸۵)

(میلیارد ریال)

جمع سرمایه گذاری دولت طی دوره ۱۳۷۸-۱۳۸۵			۱۳۸۵	۱۳۷۸	۱۳۷۵	
کل	طرحهای جدید	طرحهای موجود				
۱۵۵۲۱/۴	۱۱۹۸۷/۴	۳۵۳۴/۰	۲۹۰۶/۸	۱۲۱۰/۱	۸۵۳/۰	امور عمومی
۳۶۱۷/۸	۱۸۳۹/۶	۱۷۷۸/۲	۷۸۶/۰	۲۰۳/۱	۱۲۴/۷	آمار و خدمات عمومی فنی
۴۸۷۱/۲	۴۰۹۹/۴	۷۷۱/۸	۱۰۱۵/۸	۳۰۶/۴	۲۲۳/۰	اطلاعات و ارتباطات جمعی
۷۰۳۲/۴	۶۰۴۸/۴	۹۸۴/۰	۱۱۰۵/۰	۷۰۰/۶	۵۰۵/۳	ساختها و تأسیسات دولتی

ب) امور اجتماعی

امور اجتماعی، شامل فصلهای آموزش و پرورش عمومی، فرهنگ و هنر، بهداشت و درمان و تغذیه، تأمین اجتماعی و بهزیستی، تربیت بدنی و امور جوانان، عمران شهرها، عمرانی و نوسازی روستاها، تأمین مسکن، حفاظت محیط زیست، عملیات چند منظوره توسعه نواحی، آموزش فنی و حرفه‌ای، آموزش عالی و تحقیقات می‌گردد. در این بررسی، سه فصل آموزشی در قالب یک گروه متمرکز شده است. اعتبارات عمرانی این امور در سال ۱۳۸۵ معادل ۱۷۰۱۵/۸ میلیارد ریال پیش‌بینی شده است که نسبت به رقم مشابه سال ۱۳۷۵، از رشد متوسط سالانه ۱۱/۲ درصد برخوردار است. سهم اعتبارات عمرانی این امور در کل اعتبارات عمرانی، از ۲۹/۲ درصد در سال ۱۳۷۵، به ۲۰/۹ درصد در سال ۱۳۸۵ کاهش می‌یابد.

جمع سرمایه گذاری دولت در امور اجتماعی، طی دوره ۱۳۷۸-۱۳۸۵، معادل ۸۹۶۸۰/۵ میلیارد ریال خواهد بود که ۱۲۲۳۵/۴ میلیارد ریال آن در طرحهای موجود و ۷۷۴۴۵/۱ میلیارد ریال در طرحهای جدیدی که طی دوره آغاز می‌شود، سرمایه گذاری می‌شود. نکته شایان توجه در این زمینه، بالا بودن سهم اعتبارات طرحهایی است که باید در دوره پیش‌بینی تهیه و به اجرا درآید (۸۸/۴ درصد).

جدول ۲۱. پیش بینی اعتبارات عمرانی امور اجتماعی (۱۳۷۸-۱۳۸۵)

(میلیارد ریال)

جمع سرمایه گذاری دولت طی دوره (۱۳۷۸-۱۳۸۵)			۱۳۸۵	۱۳۷۸	۱۳۷۵	
کل	طرحهای جدید	طرحهای موجود				
۸۹۶۸۰/۵	۷۷۴۴۵/۱	۱۲۲۳۵/۴	۱۷۰۱۵/۸	۶۶۷۱/۵	۵۸۷۰/۴	امور اجتماعی
۳۴۰۹۸/۷	۳۲۰۹۶/۴	۲۰۰۲/۳	۶۶۳۱/۳	۲۳۳۷/۷	۱۵۳۱/۳	آموزش *
۶۵۴۰/۴	۵۳۵۸/۷	۱۱۸۱/۷	۱۳۹۸/۶	۳۹۷/۶	۳۲۰/۷	فرهنگ و هنر
۷۶۹۳/۵	۶۵۳۰/۶	۱۱۶۳/۷	۱۲۵۴/۹	۶۸۴/۲	۷۱۷/۹	بهداشت و درمان
۸۹۵/۶	۸۶۳/۹	۳۱/۷	۱۷۹/۶	۵۸/۲	۵۶/۳	تأمین اجتماعی و بهداشتی
۶۴۳۴/۲	۶۰۷۵/۶	۳۵۸/۶	۱۳۱۶/۶	۴۰۳/۷	۲۷۰/۸	تربیت بدنی و امور جوانان
۱۲۳۴۱/۱	۱۰۱۵۲/۸	۲۱۸۸/۳	۲۴۱۳/۶	۸۶۲/۹	۶۷۸/۸	عمران شهرها
۷۰۶۸/۸	۶۴۳۵/۰	۶۳۳/۸	۱۳۲۰/۶	۶۴۵/۶	۱۲۵۲/۳	عمران و نوسازی روستاها
۳۹۵۹/۰	۱۹۸۳/۴	۱۹۷۵/۶	۵۷۰/۲	۴۳۳/۷	۴۵۳/۹	تأمین مسکن
۱۱۶۵/۵	۱۰۹۲/۲	۷۳/۳	۲۵۷/۴	۶۳/۲	۴۸/۳	حفاظت محیط زیست
۲۸۰۸/۰	۲۶۱۶/۲	۱۹۱/۸	۵۹۶/۱	۱۶۸/۰	۱۵۸/۹	عملیات چندمنظور توسعه نواحی
۶۶۷۵/۷	۴۲۴۰/۴	۲۴۳۵/۳	۱۰۷۶/۴	۶۱۶/۶	۳۸۱/۲	تحقیقات

* شامل فصلهای آموزش و پرورش عمومی، آموزش فنی و حرفه‌ای و آموزش عالی.

ج) امور اقتصادی

امور اقتصادی، شامل فصلهای کشاورزی، منابع آب، برق، صنایع، نفت، گاز، معادن، بازرگانی، راه و ترابری، پست و مخابرات، و زیارت و سیاحت می‌گردد. اعتبار عمرانی این امور در سال ۱۳۷۵ معادل ۹۷۰۳/۹ میلیارد ریال است که پیش‌بینی می‌شود با رشد متوسط سالانه ۱۶/۶ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۴۴۹۹۰/۸ میلیارد ریال برسد.

جمع سرمایه گذاری دولت در امور اقتصادی طی دوره ۱۳۷۸-۱۳۸۵ به ۲۴۶۴۲۱/۱ میلیارد ریال خواهد رسید که ۵۵۸۴۲/۶ میلیارد ریال آن در طرحهای موجود و ۱۹۰۵۷۸/۵ میلیارد ریال در طرحهای جدیدی که طی دوره آغاز می‌گردد، سرمایه گذاری می‌شود.

فصلهای راه و ترابری و برق، به ترتیب، ۵۳۳۶۹/۸ میلیارد ریال و ۵۱۳۸۸/۴ میلیارد ریال، بالاترین سهم را در کل سرمایه گذاری دولت طی دوره مورد بررسی خواهند داشت.

جدول ۲۲. پیش بینی اعتبارات عمرانی امور اقتصادی (۱۳۷۸-۱۳۸۵)
(میلیارد ریال)

جمع سرمایه گذاری دولت طی دوره ۱۳۷۸-۱۳۸۵			۱۳۸۵	۱۳۷۸	۱۳۷۵	
کل	طرحهای جدید	طرحهای موجود				
۲۶۶۴۲۱/۱	۱۹۰۸۱۹/۳	۵۵۶۰۱/۸	۴۴۹۹۰/۸	۱۹۸۸۲/۵	۹۷۰۳/۹	امور اقتصادی
۱۶۲۸۲/۵	۱۵۰۳۵/۳	۱۳۴۸/۲	۲۹۸۵/۴	۱۲۴۹/۲	۸۰۱/۰	کشاورزی
۲۹۲۷۴/۶	۱۷۸۶۵/۳	۱۱۴۰۹/۳	۵۵۲۶/۵	۲۱۰۸/۷	۲۰۱۹/۳	منابع آب
۵۱۳۸۸/۴	۴۳۵۶۰/۸	۷۸۲۷/۶	۸۲۶۱/۴	۴۹۲۶/۰	۱۰۴۲/۸	برق
۳۴۹۷/۳	۳۲۷۹/۹	۲۱۷/۴	۵۲۰/۷	۳۵۵/۷	۳۵۲/۷	صنایع
۴۲۷۴۸/۳	۳۲۱۷۶/۵	۱۰۵۷۱/۸	۶۸۹۲/۷	۳۹۵۰/۰	۱۷۵۷/۷	نفت
۲۳۷۴۴/۰	۱۷۳۶۸/۹	۶۳۷۵/۱	۳۸۲۸/۶	۲۱۹۳/۲	۸۸۲/۴	گاز
۲۹۱۰/۲	۰	۲۹۱۰/۲	۵۰۲/۵	۲۴۱/۳	۱۶۰/۶	معادن
۴۰۴۱/۵	۳۵۹۹/۰	۴۴۲/۵	۸۵۱/۹	۲۴۰/۲	۱۱۱/۷	بازرگانی
۵۳۳۶۹/۸	۴۰۶۶۲/۳	۱۲۷۰۷/۵	۱۰۲۹۹/۰	۳۶۷۲/۱	۲۲۷۷/۶	راه و ترابری
۱۸۸۲۶/۹	۱۷۲۲۴/۴	۱۶۰۲/۵	۵۲۸۰/۵	۹۲۷/۰	۲۸۴/۷	پست و مخابرات
۲۳۶۶/۶	۴۶/۹	۱۸۹/۷	۴۱/۶	۱۹/۱	۱۳/۴	زیارت و سیاحت

در بررسی هزینه های عمرانی، همان طور که دیدید، در هر قسمت، اشاره ای نیز به میزان اعتبارات آینده طرحهای موجود گردید. مبنای این اطلاعات، بررسی جداگانه ای است که در کنار این بررسی، به منظور زمانبندی طرحهای عمرانی ملی صورت گرفته است.

۳. نتیجه گیری

در این بررسی، الگویی برای پیش بینی جهات اصلی تغییرات درآمدها و هزینه های بودجه عمومی دولت پیشنهاد شده و سپس با استفاده از آمار سری زمانی ۱۳۵۰-۱۳۷۵، برآورد معادلات الگو ارائه کردیم.

در مرحله بعد، با در نظر گرفتن مجموعه فرضیاتی تحت عنوان "گزینه پایه" در خصوص

متغیرهای پرونزای الگو، متغیرهای اصلی تا سال ۱۳۸۵ را پیش‌بینی کردیم. خلاصه نتایج به دست آمده، در جدول ۲۳ آمده است. به طوری که می‌بینید، براساس فروض این گزینه که در واقع، ادامه روند گذشته است، بودجه عمومی دولت در سالهای آینده با عدم تعادل‌های عمده روبه‌رو خواهد بود که حجم آن در سال ۱۳۸۵ به حدود ۶۰ هزار میلیارد ریال خواهد رسید، که ۲۶/۵ درصد کل بودجه عمومی دولت در این سال است.

برای آزمون حساسیت الگو به سیاستهای مختلف، در گزینه دیگری تحت عنوان گزینه پیشنهادی، مجموعه سیاستهایی به شرح زیر مورد نظر قرار گرفت:

(۱) انجام اقدامات لازم توسط دولت در زمینه حذف تدریجی معافیت‌های مالیاتی، افزایش کارایی واحدهای مالیاتی و تدوین قوانین و مقررات لازم، به منظور افزایش نسبت مالیات به محصول ناخالص داخلی به میزان مطلق ۲ درصد طی دوره پیش‌بینی.

(۲) افزایش کارایی دستگاههای اجرایی در کسب درآمدهای حاصل از خدمات و فروش کالا و سایر درآمدهای ذی‌ربط در قالب افزایش سهم این درآمدها در محصول ناخالص داخلی.

(۳) تاکید بر مصرف داخلی فراورده‌های نفتی و ادامه روند فروش ارز با نرخ ترجیحی به منظور تأمین کمبود درآمدها در سالهای اولیه و میانی دوره پیش‌بینی، به دلیل عدم انعطاف‌پذیری درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدهای دولت در سالهای مزبور.

(۴) انتقال تدریجی ۲۰ درصد از دانش‌آموزان زیر پوشش آموزش عمومی دولتی به مؤسسه‌های آموزشی غیردولتی.

(۵) کاهش تدریجی ۲۵ درصد در پرداخت‌های انتقالی دولت و تغییر ماهیت آن به پرداخت مستقیم.

(۶) انتقال تدریجی ۱۵ درصد از دانشجویان زیر پوشش دانشگاهها و مؤسسه‌های آموزش عالی بخش دولتی به مؤسسه‌های آموزشی غیردولتی و نهادهای عمومی.

نتایج حاصل از گزینه پیشنهادی را نیز در جدول ۲۳ نشان داده‌ایم. به طوری که می‌بینید، با اعمال سیاستهای پیشنهاد شده، عدم تعادل بودجه تا میزانی که قابل تأمین از محل برگشتی از پرداخت‌های سالهای گذشته باشد، کاهش یافته است.

توضیح این نکته ضروری است که محاسبات به عمل آمده در این بررسی، صرفاً برای نشان دادن حساسیت الگو به اعمال سیاستهای مختلف درآمدی و هزینه‌ای است. بدیهی است ترکیبهای مختلف دیگری از سیاستها ممکن است مورد نظر باشد که با توجه به آثار هر یک، باید بهترین مجموعه برای استفاده در چارچوب برنامه‌های توسعه آینده انتخاب شود.

جدول ۲۳. تصویر بودجه عمومی دولت (۱۳۷۸-۱۳۸۵)

(میلیارد ریال)

۱۳۸۵		۱۳۷۵		
گزینه پیشنهادی	گزینه پایه			
۲۱۰۲۷۸/۶	۱۶۶۲۴۸/۴	۵۷۳۴۲/۷		درآمدها
۹۴۶۳۷/۳	۶۴۰۳۲/۳	۱۲۵۶۰/۲		درآمدهای مالیاتی
۵۲۵۲۱/۲	۵۲۱۲۱/۲	۳۲۷۴۵/۷		درآمد نفت
۶۳۱۲۰/۱	۵۰۰۹۴/۹	۱۲۰۳۶/۷		سایر درآمدها
۲۱۱۷۹۹/۸	۲۲۶۳۶۱/۴	۵۷۸۷۷/۶		هزینه‌ها
۱۳۰۴۰۵/۴	۱۴۴۹۶۷/۰	۳۷۵۶۴/۰		جاری
۸۱۳۹۴/۴	۸۱۳۹۴/۴	۲۰۰۷۳/۶		عمرانی
-۱۵۲۱/۲	-۶۰۱۱۲/۰	-۵۳۴/۹		کسر بودجه

منابع

الف) فارسی

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. گزارش اقتصادی و ترازنامه (سالهای مختلف). سازمان برنامه و بودجه. برنامه اقتصاد بدون اتکاء به درآمدهای حاصل از صادرات نفت خام، پیوست ۲. فصل سوم ص ۶۵-۸۶، دفتر اقتصاد کلان.

سازمان برنامه و بودجه. قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.

مجلس شورای اسلامی. قانون بودجه کل کشور (سالهای مختلف).

ب) انگلیسی

M.H. Pesaran, R.G. Pierse and K.C. Lee. (1993). Persistence, Cointegration, and Aggregation, *Journal of Econometrics*. 56. 58-88.

United Nations, Economic and Social Commission for Asia and the Pacific. (1997). *Modelling and Simulation of Macroeconomic Systems*. New York.